

فصلنامه علمی - پژوهشی تاریخ اسلام

سال هفدهم، شماره سوم

پاییز ۱۳۹۵، شماره مسلسل ۶۷

شیوه نقد اخبار تاریخ اسلام در بحار الأنوار

تاریخ دریافت: ۹۴/۱۱/۸

تاریخ تأیید: ۹۵/۳/۲۴

رسول جعفریان *

قاسم قریب **

حسن طارمی راد ***

۳۴ جلد از مجموعه ۱۱۰ جلدی بحار الأنوار، ذیل عناوین مرتبط با تاریخ اسلام قرار دارند و می‌توان این تاریخ را به سه بخش: «تاریخ پیامبر ﷺ» [ج ۱۵ - ۲۲]، «تاریخ تحولات سیاسی از تشکیل سقیفه تا پایان خلافت امیرمؤمنان، علی رضی الله عنه» [ج ۲۸ - ۳۴] و «تاریخ امامان شیعه رضی الله عنهم» [ج ۳۵ - ۵۳] تقسیم نمود. مجلسی برای تکمیل دائرةالمعارف حدیثی خویش، به تدوین تاریخ اسلام با محدوده‌ای که خودش تعریف نموده و بر اساس منابع شیعی، همت گمارده است. مصادر تاریخ‌نگاری مجلسی و چینش ابواب تاریخی بحار الأنوار، بیانگر اثرپذیری تاریخ‌نگری وی از مبانی کلامی شیعه است؛ اما وی در مواجهه با اخبار و احادیث تاریخی و سنجش آنها، روشی غیرکلامی برگزیده است.

* استاد گروه تاریخ دانشگاه تهران ras.jafarian@gmail.com

** دانشجوی کارشناسی ارشد تاریخ اسلام دانشگاه تهران qasem.qarib@gmail.com

*** دانشیار دانشنامه جهان اسلام h_taromi@yahoo.com

این نوشتار که با هدف واکاوی روش نقد گزارش‌های مربوط به تاریخ اسلام در بحار الأنوار تدوین شده، به این نتیجه رسیده است که مجلسی غالباً نظرات خود درباره احادیث را پس از نقل کامل روایت بیان نموده و در موارد بسیاری، به شباهت میان روایات منابع شیعه و سنی و اقتباس‌های احتمالی صورت‌گرفته در کتاب‌های مختلف اشاره کرده است. نقد محتوایی روایات شیعه و سنی، رفع تعارض میان اخبار تاریخی منابع شیعی، ارجاع غیرمستقیم به منابع اهل سنت، توجه به عنصر زمان در نقادی‌ها و رفع ابهام از اسامی خاص در برخی روایات تاریخی، از دیگر شیوه‌های رایج شرح اخبار در بحار الأنوار علامه مجلسی است. مجلسی در زمینه شرح و توضیح اخبار، گاه به روایات موازی و گاهی نیز به استنباط‌های شخصی خویش متکی است. باین‌همه، برخی نقادی‌های مجلسی در بخش تاریخ اسلام بحار الأنوار، بر پیش‌فرض‌های اعتقادی استوار است که شامل موارد معدود و خاصی می‌گردد.

کلیدواژگان: محمدباقر مجلسی، بحار الأنوار، تاریخ اسلام، نقد تاریخی، جوامع روایی

شیعی.

مقدمه

علامه مجلسی (۱۰۳۷ - ۱۱۱۰ ه.ق. / ۱۶۱۶ - ۱۶۹۸ م.)، از علمای کثیرالتألیف شیعه است و آثار پُرشماری به دو زبان عربی و فارسی از وی برجای مانده است. مهم‌ترین و حجیم‌ترین اثر او، مجموعه بحار الأنوار الجامعة لدرر اخبار الائمة الاطهار علیهم‌السلام است که یک دائرةالمعارف حدیثی در موضوعات گوناگون محسوب می‌شود. بحار الأنوار با «کتاب العقل والعلم والجهل» آغاز شده و سپس به صورت بسیار مفصل در چندین مجلد به طرح مسائل اصول عقاید، نظیر: توحید، عدل و معاد پرداخته است. مباحث مربوط به نبوت و

امامت، در هر دو بُعد اعتقادی و تاریخی آن ارائه شده و بخش بسیاری از این دائرةالمعارف را به خود اختصاص داده است.

بخش تاریخی، شامل دو قسمت «تاریخ پیامبران» و «تاریخ اسلام» می‌شود که بخش «تاریخ اسلام» از ولادت پیامبر ﷺ (د. ۱۱ ق.) آغاز می‌شود و با تاریخ امام دوازدهم (عج) پایان می‌پذیرد. پس از اتمام بخش تاریخی، باب مسائل بسیار متنوعی گشوده می‌گردد که از علوم طبیعی در «کتاب السماء والعالم» تا مسائل کلامی، مانند «کتاب الايمان والكفر» و مسائل فقهی همچون «کتاب الصلاة» را دربرمی‌گیرد. مجلسی، ۴ جلد (ج ۱۱ - ۱۴) از مجموعه ۱۱۰ جلدی بحار الأنوار را به تاریخ پیامبران اختصاص داده است. با کنار نهادن مباحث کلامی اصل امامت که در ابتدای بخش تاریخ امامان علیهم السلام قرار گرفته، ۳۴ جلد از این مجموعه، تاریخ اسلام است که از ولادت پیامبر اسلام ﷺ تا غیبت امام زمان (عج) را دربرمی‌گیرد. ۳۴ جلد مذکور را می‌توان سه بخش مجزا در نظر گرفت؛ بدین ترتیب که ۸ جلد (ج ۱۵ - ۲۲) تاریخ پیامبر اسلام ﷺ؛ ۷ جلد (ج ۲۸ - ۳۴) تاریخ تحولات سیاسی اسلام پس از پیامبر ﷺ تا پایان حکومت امام علی علیهم السلام (د. ۴۰ ق.) که مجلسی نام «کتاب الفتن والمحن» بر آن نهاده است؛ و ۱۹ جلد (ج ۳۵ - ۵۳) تاریخ زندگانی امامان شیعه از امام علی علیهم السلام تا امام دوازدهم (عج) است.

از لحاظ کمی، این ۳۴ جلد که محتوای آنها دست کم از منظر نویسندگان، تاریخی است، در مجموع بیش از ۳۴٪ مطالب بحار الأنوار را تشکیل می‌دهد. گرچه همه مطالب این ابواب، صرفاً تاریخی نیست و با برخی عناوین و مسائل کلامی، ترکیب گشته است، اما این حجم وسیع، بیانگر توجه مجلسی به مسائل تاریخ مذهبی، به‌ویژه تاریخ پیامبر ﷺ و امامان شیعه علیهم السلام است.

این نکته، بسیار حایز اهمیت است که مجلسی، محدث است؛ نه مورخ. بنابراین، دغدغه تاریخ‌نگاری به مفهوم واقعه‌نویسی را نداشته است؛ اما این مسئله، به این معنا

نیست که وی به حوزه تاریخ‌نگاری ورود پیدا نکرده است. مجلسی به نگارش و تدوین دوباره بخشی از تاریخ اسلام، یعنی تاریخ پیامبر ﷺ و امامان شیعه ﷺ پرداخته است که دائرةالمعارف وی برای تکمیل شدن به آن نیاز داشته است. با توجه به محدوده تاریخ اسلام در بحار الأنوار می‌توان ادعا کرد که از منظر مجلسی، تاریخ اسلام، تنها شامل تاریخ پیامبر ﷺ و امامان شیعه ﷺ است و اگر توجه وی به مسائل سیاسی پس از رحلت پیامبر ﷺ که موضوع «کتاب الفتن والمحن» است، معطوف شده، صرفاً در راستای تبیین حقانیت اهل بیت پیامبر ﷺ برای امامت و خلافت است. مجلسی، در مقدمه بحار الأنوار نوید داده است که این کتاب با استفاده از اخبار ائمه اطهار ﷺ، مؤمن شیعه را از جمیع علوم و معارف بی‌نیاز خواهد کرد.^۱ به همین جهت، بخش تاریخ آن، برای پاسخ به نیاز جامعه شیعه در جهت درک تاریخ اسلام تدوین گشته است.

پیش از ورود به مبحث شیوه مواجهه علامه مجلسی با اخبار تاریخ اسلام، طرح این پرسش ضروری است که با عنایت به حدیثی بودن محتوای کتاب بحار الأنوار، آیا اطلاق «اخبار تاریخی» برای روایات موجود در این کتاب صحیح است؟ برای پاسخ به این پرسش، باید برخی اصطلاحات، مانند: روایت، حدیث و خبر، تعریف شوند. ابتدا باید دانست این سه اصطلاح که در بسیاری از علوم اسلامی از جمله: فقه، تفسیر، کلام و تاریخ کاربرد دارد، ریشه در علم‌الحديث یا درایة‌الحديث دارد. بنابراین، برای یافتن معنای این اصطلاحات، باید به کتاب‌های درایة‌الحديثی و نظر محدثان توجه نمود.

ابن حجر عسقلانی (د. ۸۵۲ق.)، نسبت بین حدیث و خبر را از نظر منطقی، عموم و خصوص مطلق دانسته است؛ بدین معنا که هر حدیثی، خبر است؛ اما هر خبری، حدیث نیست.^۲ شهید ثانی (د. ۹۶۵ق.) خبر و اثر را اعم از حدیث، و شامل سخن معصوم و غیرمعصوم دانسته و حدیث را سخن، کردار و تأیید معصوم، تعریف نموده است.^۳ در یک پژوهش جدید، اختلافات کاربرد سه اصطلاح حدیث، خبر و اثر، با سه رویکرد متفاوت

توضیح داده شده است و در یکی از آن رویکردها، حدیث به سخن معصوم، و اثر به سخن صحابه و تابعان، و خبر به اعم از این دو اطلاق شده است.^۴ با توجه به توضیحات پیش گفته، تعریف «خبر تاریخی» در این پژوهش، «استفاده تاریخ‌نگارانه» از احادیث پیامبر ﷺ و امامان علیهم‌السلام برای تدوین تاریخ اسلام است. صحیح است که حدیث به‌عنوان سخن معصوم، درون‌مایه الهیاتی دارد و خبر تاریخی معمولی به حساب نمی‌آید، اما می‌تواند حاوی اطلاعات تاریخی باشد.

مجلسی، برای نخستین بار دست به چنین ابتکاری زده و از کتب حدیثی علمای پیشین و احادیث امامان علیهم‌السلام برای بازنویسی تاریخ اسلام بر پایه منابع داخلی شیعه بهره برده است. مجلسی محدث، نه فقط به حوزه تاریخ‌نگاری وارد شد و با استفاده از منابع و مصادر معتبر عمدتاً شیعی، از نو تاریخ پیامبر ﷺ و امامان شیعه علیهم‌السلام را تدوین کرد، بلکه به نقادی روایات موجود در این کتاب‌ها نیز همت گماشت. این پژوهش، به دنبال یافتن پاسخی برای این پرسش است که روش علامه مجلسی در تدوین تاریخ اسلام و نقد روایات آن، بر چه اصولی استوار بوده است؟

مقدمه ضروری بعدی، شیوه‌های نقد اخبار تاریخی و نسبت آنها با شیوه نقد علامه مجلسی در بحار الأنوار است. انواع نقد تاریخی، به دو دسته «درونی» و «بیرونی» قابل تقسیم است و هر یک در دو سطح «راوی» و «روایت»، قابل بررسی است. مهم‌ترین عنصر در نقد بیرونی راوی، بررسی هویت فردی و اجتماعی اوست و شناخت پیش‌فرض‌ها و اعتقادات وی، شاکله نقد درونی راوی را تشکیل می‌دهد. اصالت سند و منبع، موضوع اصلی نقد بیرونی روایت، و فهم معنای حقیقی روایت، اصلی‌ترین مسئله در نقد درونی روایت است. مجلسی، نه مورخ، بلکه محدثی است که از زاویه احادیث به تاریخ اسلام و نقادی آن پرداخته است. در لابه‌لای نقدهای مجلسی در بخش تاریخ اسلام بحار الأنوار، بیش از همه، نقد درونی روایت به چشم می‌خورد که شامل توضیحات وی درباره محتوای اخبار است. مجلسی، با استفاده از نسخه‌های قدیمی که از منابع مختلف در اختیار داشته،

در خصوص اصالت برخی منابع اظهار نظر کرده است که در شمار نقد بیرونی روایت محسوب می‌شود. جرح و تعدیل راویان اخبار که همان نقد بیرونی و درونی راوی است، به میزان کمتری در بخش تاریخ اسلام بحار الأنوار قابل دستیابی است.

هدف اصلی این پژوهش، نقد و بررسی وقایع تاریخ اسلام موجود در بحار الأنوار مجلسی نیست؛ بلکه بیان نوع برخورد وی با روایات تاریخی و روش نقدی است که از سوی وی اعمال شده است. شیوه مجلسی در نقد روایات بخش تاریخ بحار الأنوار، بیش از آنکه معطوف به مسائل درایة الحدیثی باشد، ناظر به نقادی‌های تاریخی است. موضوع این تحقیق، داوری درباره درستی یا نادرستی روش نقد مجلسی نیست و فقط به صورت روشمند و منسجم، به توصیف و تشریح کامل روش نقد وی اختصاص دارد.

الف. نقد اخبار تاریخی منابع شیعی

در مقدمه بیان شد که مجلسی برای بازنویسی تاریخ اسلام، بر احادیث اهل بیت علیهم‌السلام تکیه کرده؛ اما در نقادی آنها، بر تاریخ متکی بوده است؛ نه بر اصول حدیث. غالب منابع مجلسی برای تاریخ‌نگاری را کتاب‌های شیعی تشکیل می‌دهند. بنابراین، بیشتر توضیحات و شروح وی، درباره این کتاب‌هاست. بخشی از توضیحات و نقادی‌های مجلسی، شامل بازنمایی شباهت اخبار تاریخی در منابع گوناگون شیعی است و بخشی دیگر، به شرح و رفع تعارض اخبار با یکدیگر اختصاص دارد.

۱. بازنمایی اقتباس اخبار در منابع

آشنایی عمیق مجلسی با کتاب‌های گوناگون شیعه، سبب شده تا وی درباره اقتباس‌های صورت‌گرفته در کتاب‌ها با قطعیت اظهار نظر نماید. وی بیشتر مطالب کتاب *تأویل آیات الظاهرة فی فضائل العترة الطاهرة* تألیف شرف‌الدین علی استرآبادی (د. ۹۶۵ق.) را بر گرفته از کتاب تفسیر محمد بن عباس ماهیار (د. پس از ۳۲۸ق.) دانسته است.^۵ کتاب *منتخب البصائر* تألیف حسن بن سلیمان (د. ۸۰۲ق.) است که گزیده‌ای از کتاب

البصائر سعدبن عبدالله اشعری (د. ۳۰۰ق.) محسوب می‌شود. مجلسی یادآوری می‌کند که حسن بن سلیمان برای تألیف خود، از کتاب‌های دیگری هم استفاده کرده که در متن منتخب البصائر به اسامی آن کتاب‌ها اشاره شده است.^۶ از نظر مجلسی، کتاب ربیع الشیعة^۷، رونویسی کاملی از اعلام الوری طبرسی (د. ۵۴۸ق.) است.^۸

مجلسی، پس از نقل روایتی طولانی از کانی درباره روزهای منتهی به رحلت پیامبر ﷺ، خاطرنشان کرده که مختصر همین خبر، در کتاب الطرائف سیدبن طاوس (د. ۶۶۴ق.) به نقل از کتاب الوصیة عیسی بن مستفاد (د. ۲۲۰ق؟) آمده است.^۹ مجلسی، منبع اصلی روایت علامه حلی (د. ۷۲۶ق.) در کتاب کشف الیقین، نهج الحق و کشف الصدق درباره ولادت امام علی علیه السلام را کتاب بشارت المصطفی می‌داند.^{۱۰}

۲. بازنمایی شباهت اخبار در منابع گوناگون شیعی

احادیث امامان شیعه علیهم السلام و روایات تاریخی شیعی، در منابع مختلف شیعه تکرار شده است؛ به گونه‌ای که در برخی موارد، حالت رونویسی داشته است. مجلسی، پس از اتمام نقل هر روایت، چنان که آن روایت در سایر منابع تکرار شده باشد، به نام منابع بعدی با اصطلاح «مثله» ارجاع داده است.^{۱۱}

مجلسی، به تفاوت اندک روایات مشابه در متون مختلف دقت نظر داشته و در موارد بسیاری، اختلافات آنها را توضیح داده است. نمونه‌های این مطلب، بیش از آن است که بتوان همه آنها را ذکر کرد؛ اما برای مثال، می‌توان به روایت مشابه بین قصص الانبیاء و بصائر الدرجات اشاره کرد که مجلسی پس از تذکر مشابه بودن این دو روایت، خاطرنشان می‌کند که در بصائر الدرجات، نیمی از این روایت موجود است.^{۱۲} در نمونه‌ای دیگر، مجلسی پس از نقل یک روایت از الأمالی شیخ طوسی (د. ۴۶۰ق.)، به مشابه آن در کتاب الخرائج والجرائع قطب‌الدین راوندی (د. ۵۷۳ق.) اشاره می‌کند؛ با تذکر این نکته که روایت موجود در کتاب راوندی، مختصر است و دو بیت شعر روایت موجود در الأمالی شیخ

طوسی را نیز ندارد.^{۱۳}

۳. نقد محتوایی اخبار تاریخی منابع شیعی

مجلسی، در نقد روایت *الخصال* صدوق (د. ۳۸۱ق.) درباره حضور زبیر بن عوام (د. ۳۶ق.) در میان طرفداران خلافت ابوبکر (۱۱ - ۱۳ق.)، معتقد است که از سایر اخبار، دفاع وی از ابوبکر ثابت نمی‌شود و سپس، به دو نکته در روایت صدوق اشاره کرده است. صدوق، روایتی طولانی از مخالفان انتخاب ابوبکر به خلافت آورده است؛ به گونه‌ای که در آغاز روایت، نام ۱۲ تن را ذکر کرده و سپس، خطبه‌های آنان را در انتقاد از جانشینی ابوبکر شرح داده است. مجلسی با دقت در متن روایت صدوق، دو اشتباه را دریافته است؛ نخست اینکه در آغاز نام ابی‌بن‌کعب (د. ۲۹ق.) آمده است؛ اما خطبه‌ای از او ذکر نشده و دوم اینکه خطبه زید بن وهب (د. ۸۴ق.) نقل شده؛ در حالی که در آغاز روایت، از وی نامی نیست.^{۱۴}

مجلسی احتمال داده است که چون زید بن وهب، یکی از رجال سند همین روایت است، صدوق از وی نامی نبرده است؛ هر چند بلافاصله اعلام می‌کند چنین توجیهی، بعید است و اشتباه را متوجه نساخ‌ها و راویان می‌داند.^{۱۵} واقعیت این است که انتقاد اول مجلسی بر روایت صدوق، وارد نیست و خود وی نیز مرتکب اشتباه شده است؛ زیرا خطبه ابی‌بن‌کعب در متن روایت صدوق موجود است؛ هر چند بسیار کوتاه و شامل نقل یک حدیث درباره حق اهل بیت علیهم‌السلام برای خلافت است.^{۱۶}

مجلسی، پس از نقل داستانی از *ارشاد القلوب* دیلمی (د. ابتدای سده ۹ق.) درباره گفت‌وگوی ابوبکر و عمر با امام علی علیه‌السلام درباره خلافت، می‌گوید: این خبر را آورده‌ام؛ اما اعتماد همه‌جانبه به آن ندارم و فقط از این جهت نقل کردم که مضمون آن، موافق سایر اخبار است.^{۱۷} وی، روایت دیگری از همین کتاب درباره تصرف املاک امام علی علیه‌السلام توسط فردی به نام اشجع بن مزاحم ثقفی و واکنش‌های امام علیه‌السلام به اقدام وی نقل کرده است و پس از توضیح درباره برخی لغات آن، می‌نویسد: بیش از این، درباره این خبر

توضیح نمی‌دهم؛ زیرا مخالف با سیره و اخبار است و من اعتمادی به آن ندارم.^{۱۸}
روایتی در *الخرائج والجرائح* راوندی درباره پیشگویی امام علی علیه السلام از ظهور
حجاج بن یوسف (د. ۹۵ق.) وجود دارد که وی بیست سال حاکم عراق خواهد شد. راوی این
روایت، توضیح داده است که حجاج از سال ۷۵ تا ۹۰ حکومت کرده است. مجلسی، با
توجه به اشتباه واضح راوی، توضیح می‌دهد که احتمالاً نسخ، عدد پنج را [از نود] جا
انداخته؛ و گرنه در متن روایت، اشاره به بیست سال شده است.^{۱۹}

مجلسی، دو خبر از کتاب *مشارق الأنوار رجب برسی*^{۲۰} (د. ۸۱۳ق.) درباره رویدادهای
شب دفن امام علی علیه السلام و دو معجزه‌ای که امام حسن علیه السلام و امام حسین علیه السلام در هنگام
تدفین پدرشان دیده‌اند، نقل کرده و سپس، گفته: من جز در کتاب برسی، این دو خبر را
ندیده‌ام و نقل‌های تک و انفرادی از وی، چندان محل اعتماد نیست. مجلسی می‌افزاید:
البته من اصل اتفاق افتادن این مسائل را رد نمی‌کنم؛ چون ممکن است برای بدن‌های
مثالی در برزخ، چنین چیزی رخ دهد.^{۲۱}

دقت نظر مجلسی در جزئیات روایات، بسیار زیاد است و شیوه او نقل و رهاکردن
روایات متعارض نیست. درباره سهم پیامبر صلی الله علیه و آله در بازسازی ساختمان کعبه پس از تخریب
آن توسط سیل، یک روایت از کافی از قول امام صادق علیه السلام موجود است. بر اساس این
روایت، امام علیه السلام سهم بازسازی پیامبر صلی الله علیه و آله را از نیمه ضلع باب‌الکعبه تا رکن یمانی، و
سپس، سهم بنی‌هاشم را از حجرالأسود تا رکن شامی دانسته است. مجلسی می‌نویسد: دو
قسمت روایت، با هم منافات دارد؛ زیرا سهم بنی‌هاشم، شامل سهم پیامبر صلی الله علیه و آله هم
می‌شود. اگر منظور روایت از سهم بنی‌هاشم، غیر از سهم پیامبر صلی الله علیه و آله باشد [که صحیح‌تر
به نظر می‌رسد]، قاعدتاً پیامبر صلی الله علیه و آله دارای هیچ سهمی نخواهد بود؛ مگر اینکه گفته شود از
رکن یمانی تا شامی، سهم بنی‌هاشم بوده است و آنان قسمت بین حجرالأسود و
باب‌الکعبه را به پیامبر صلی الله علیه و آله اختصاص داده‌اند. از نظر مجلسی، در هر صورت، اشکال به
قوت خود باقی می‌ماند.^{۲۲}

مجلسی در شرح *خبیر بصائر الدرجات* که در آن به ماجرای ازدواج شهربانو و امام حسین علیه السلام (د. ۱۶۱ ق.) اشاره شده، می‌نویسد: امام علی علیه السلام اسم «شهربانو» را به آن دختر پیشنهاد داد؛ چون اسم «جهان‌شاه» با وجود [کلمه] «شاه» [در آن]، اسم مکروهی است؛ از آن جهت که «شاه»، نام خداوند است و یکی از دلایل تحریم شطرنج نیز به دلیل وجود مهره «شاه» و مات شدن آن است؛ درحالی که خدا مات‌شدنی نیست. احتمال دیگر مجلسی این است که اسم این زن، «جهان‌شاه» نبوده و وی برای مصلحتی، اسمش را تغییر داده است. سپس، مجلسی با مقایسه این رویداد در دو کتاب *عیون اخبار الرضا علیه السلام و *بصائر الدرجات*، روایت منبع اول را صحیح‌تر می‌داند؛ زیرا صدوق در *عیون اخبار الرضا علیه السلام معتقد است که این خبر، مربوط به زمان عثمان بن عفان (د. ۳۵ ق.) است.^{۳۳}**

مجلسی با توجه به اینکه این دختر، فرزند یزدگرد (۶۲۴ - ۶۵۱ م.) آخرین شاه ساسانی خوانده شده، تسلیم و کشته‌شدن وی را در زمان عثمان دانسته است؛ اما احتمال داده است که برخی اعضای خانواده وی، پس از نبرد قادسیه یا نهاوند، اسیر شده باشند که در این صورت، خبر دوم نیز می‌تواند صحیح باشد. مجلسی، یک نکته ظریف دیگر را نیز از نظر دور نداشته و آن، فاصله تاریخ ولادت امام سجاد علیه السلام (د. ۹۴ ق.) و ازدواج امام حسین علیه السلام و شهربانوست. وی معتقد است، اگر روایت *بصائر الدرجات* را ملاک قرار دهیم و بپذیریم که این واقعه در زمان عمر اتفاق افتاده، با توجه به تولد امام سجاد علیه السلام در دوران حکومت امام علی علیه السلام، نزدیک به ۲۰ سال فاصله بین ازدواج شهربانو و تولد فرزند وی وجود خواهد داشت و چون شهربانو فقط همین یک فرزند را داشته، بعید نیست که «عمر» در این روایت، تصحیف کلمه «عثمان» باشد و این رویداد، در زمان او اتفاق افتاده باشد.^{۳۴}

شیخ طوسی در *الأمالی*، روایتی تاریخی نقل کرده است که پس از غزوه بدر، پیامبر صلی الله علیه و آله درباره سرنوشت اسرا با اصحاب خویش مشورت کرد. برخی چون ابوبکر، خواهان تخفیف در حق اسرا بودند و برخی مانند عمر، پیشنهاد کشتن آنان را دادند. سرانجام پیامبر صلی الله علیه و آله نظر ابوبکر را برگزید و سخنانی گفت که نشان از جایگاه والای این

دو تن داشت. از نظر مجلسی، نشانه‌های جعل در این روایت، از عبارت «كَمَّلَ إِخْوَةَ لَهْمَا» آشکار است؛ زیرا پس از این عبارت، صفات پیامبران پیشین به شیخین نسبت داده شده است.^{۲۵} به نظر می‌رسد که عبارت مذکور، فاقد اشکال دستوری است و مجلسی به لحاظ معنوی، آن را نشانه جعل کل روایت در نظر گرفته است؛ زیرا مقام ابوبکر و عمر، با برخی پیامبران پیشین مقایسه شده است.

مجلسی، پس از نقل روایت ملاقات سعدبن عبدالله اشعری (د. ۳۰۰ق.) با امام دوازدهم (عج) در ایام کودکی ایشان و در دوران حیات امام عسکری علیه السلام (د. ۲۶۰ق.)، از *کمال‌الدین صدوق می‌نویسد: نجاشی* (د. ۴۵۰ق.)، سعدبن عبدالله را فردی ثقه و دارای جلالت شأن معرفی کرده است؛ اما بدون نام‌بردن از شخص یا اشخاصی، اضافه می‌کند که برخی علما ملاقات او با امام عسکری علیه السلام را نفی کرده‌اند.^{۲۶}

مجلسی در دفاع از این روایت می‌نویسد: صدوق از برخی افراد ناشناسی که نجاشی به آنها اشاره کرده، نسبت به شناخت حدیث، عالم‌تر است و نمی‌توان اخباری را که متن آنها خود گواهی به صحت می‌دهند، با حدس و گمان مردود دانست؛ زیرا سعد، با امام عسکری علیه السلام معاصر بوده و ۴۰ سال پس از ایشان درگذشته است. مجلسی می‌افزاید: مردود شمردن این اخبار به جهت پایین‌آوردن مقام نیکان و ضعف معرفت نسبت به امامان علیهم السلام است؛ زیرا ما دیده‌ایم هنگامی که خبری با محتوای معجزه به دست عده‌ای می‌رسد، راوی آن خبر را تضعیف یا اصطلاحاً قدح می‌کنند. بنابراین، بسیاری از روایانی که در رجال، قدح شده‌اند، جرم آنها چیزی جز نقل این اخبار نیست.^{۲۷}

۴. رفع تعارض اخبار تاریخی منابع شیعی

بخش عمده‌ای از توضیحات مجلسی در بخش تاریخ اسلام بحار الأنوار، تلاش در جهت رفع تعارض میان اخبار تاریخی منابع شیعی است؛ برای نمونه، وجود برخی روایات، مبنی بر طنین‌انداز شدن ندای «لَا فَتَىٰ إِلَّا عَلِيٌّ؛ جوانمردی، جز علی نیست» در روز بدر، مجلسی را به ارائه توضیحاتی واداشته است. وی می‌نویسد: مشهور، آن است که این شعار،

فقط در روز اُحد بوده و شاید تصحیف، باعث شده که عده‌ای آن را مربوط به روز بدر بدانند. احتمال دیگر مجلسی، این است که این واقعه، در هر دو روز اتفاق افتاده است.^{۲۸}

در نمونه‌ای مشابه، مجلسی روایت صدوق از امام صادق علیه السلام (د. ۱۴۸ق.) را نقل کرده است که بر اساس آن، نبرد خیبر، سخت‌ترین نبرد پیامبر صلی الله علیه و آله بوده است. مجلسی، معتقد است که در بسیاری از نسخه‌ها، روز حنین آمده است و شاید خیبر در روایت صدوق، تصحیف احزاب باشد.^{۲۹} در جای دیگری، مجلسی روایتی از کافی نقل کرده که پیامبر صلی الله علیه و آله ده حج به جا آورد و سپس، آن را تصحیف کاتبان و یا راویان دانسته است؛ زیرا ابن فضال از راوی همین روایت، تعداد حج‌های ایشان را بیست مورد نقل کرده است.^{۳۰}

اشاره به تصحیف اسامی خاص با توجه به روایات مشابه، از شیوه‌های نقد درونی روایت علامه مجلسی است. وی، به نقد یک روایت از *الأمالی* شیخ طوسی می‌پردازد که در آن، از اموال متعلق به حضرت فاطمه علیها السلام (د. ۱۱ق.) در فدک نام برده شده است. مجلسی، با توجه به روایات مشابه این روایت در کتب تاریخی، واژه «عواف» را تصحیف «اعواف»، «برقط» را تصحیف «برقه» و «حسنا» را تصحیف «حسنى» دانسته است. وی، معتقد است که واژه «کلا» در هیچ متنی موجود نیست و اگر «کلاب» باشد، اسم آبی (احتمالاً جوی یا چاهی) در مدینه است؛ وگرنه تصحیف واژه «دلال» است.^{۳۱}

دقت نظر مجلسی در نقد عقلانی روایات، تعارض محتوایی آنها را برای وی آشکار کرده است؛ برای نمونه، مجلسی ابتدا به روایات واقع‌شدن روز عرفه سال دهم هجری در روز جمعه، و بیست‌وهشتم صفر سال یازدهم هجری (رحلت پیامبر) در روز دوشنبه پرداخته و اینکه تقریباً بر سر آنها اجماع وجود دارد. وی در ادامه، این روایات را مغایر با واقع‌شدن رویداد غدیر در روز جمعه می‌داند و معتقد است که به‌ناچار باید برخی روایات را رد نمود.^{۳۲}

مجلسی، پس از نقل زندگی‌نامه‌های میثم (د. ۶۰ق. / ۶۸۰م.) و قنبر می‌نویسد: بین روایاتی که امام علی علیه السلام آنان را به تقیه یا تبری امر کرده، باید جمع شود و وجه جمع آن، تخییر است. توضیح وی، استنباطی شبه‌کلامی از روایات است؛ مبنی بر اینکه میثم، منع

شده بود؛ اما به دلیل دوستی شدید امام علی علیه السلام، تقیه را رعایت نکرد و یا اینکه شرایط تقیه فراهم نبود؛ زیرا مجلسی بعید می‌داند که میثم و قنبر، از سوی امام علی علیه السلام فرمان به تقیه گرفته باشند؛ اما از آن تخلف کرده باشند.^{۳۳}

قیمت سپری که امام علی علیه السلام به‌عنوان مهریه حضرت فاطمه علیها السلام در نظر گرفت، در دو روایت، ۳۰ درهم و ۵۰۰ درهم آمده است. غالب روایات، قیمت آن را ۳۰ درهم دانسته؛ اما ۵۰۰ درهم نیز ذکر شده؛ از جمله، در روایتی که امام جواد علیه السلام (۱۹۵ - ۲۲۰ ق.) / ۸۱۱ - ۸۳۵ م.) مطابق مهریه حضرت فاطمه علیها السلام، مهریه دختر مأمون (۱۹۸ - ۲۱۸ ق.) / ۸۱۳ - ۸۳۳ م.) را ۵۰۰ درهم در نظر گرفت.^{۳۴} مجلسی می‌نویسد: روایات قیمت‌های مختلف، قابل جمع است؛ شاید سپر، جزئی از مهریه بوده باشد؛ شاید ۳۰ درهم، ارزش بیشتری در زمان پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم نسبت به دوره‌های بعد داشته است؛ شاید ۳۰ درهم قیمت داشته، اما ۵۰۰ درهم فروخته شده است و شاید هم برخی اخبار، باید حمل بر تقیه گردد.^{۳۵}

مجلسی درباره تاریخ رحلت حضرت فاطمه علیها السلام، معتقد است که بیشتر روایات ولادت، وفات و عمر حضرت فاطمه علیها السلام، با هم قابل تطبیق نیست. از نظر او، از میان تواریخ مختلف روز وفات ایشان، ۷۵ روز پس از وفات پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم، از همه صحیح‌تر است. اگر وفات پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم ۲۸ صفر بوده باشد، وفات حضرت فاطمه علیها السلام اواسط جمادی‌الأولی بوده است؛ اما اگر وفات پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم ۱۲ ربیع‌الأول بوده باشد، آن‌چنان که اهل سنت معتقدند^{۳۶}، بنابراین، وفات ایشان اواخر جمادی‌الأول است. مجلسی این توضیح را نیز اضافه می‌کند که بر اساس روایت ابوالفرج اصفهانی (د. ۳۵۶ ق.) که از امام باقر علیه السلام (د. ۱۱۴ ق.) نقل شده، حضرت فاطمه علیها السلام سه ماه پس از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم درگذشت و این روایت، با حدیث امام صادق علیه السلام که ابوبصیر (د. ۱۵۰ ق.) راوی آن است، مطابقت دارد و برابر با سوم جمادی‌الثانی می‌شود و شاید با لحاظ‌شدن سه ماه، در نظر نگرفتن چند روز اهمیتی نداشته است.^{۳۷}

مجلسی، با استناد به روایات تاریخ ولادت امام حسین علیه السلام می‌نویسد: دو قول مشهور

سوم و پنجم شعبان، وجود دارد؛ اما جعفرین نما (د. ۴۵ق.ق.) روایت آخر ربیع الأول را پذیرفته است. ظاهراً مجلسی با ابن نما هم عقیده است؛ زیرا در تحلیل نظر ابن نما می-نویسد: خبر صحیحی وجود دارد که بین ولادت این دو امام، ۱۶ ماه فاصله بوده و چون ولادت امام حسن علیه السلام (د. ۵۰ق.ق.) در ۱۵ رمضان ثابت شده است، پس نمی توانسته ولادت امام حسین علیه السلام در ماه شعبان اتفاق بیفتد و اگر خبر سوم شعبان پذیرفته شود، باید در خبر ۱۵ رمضان تردید کرد.^{۳۸}

مجلسی، روایتی از *الأمالی* شیخ طوسی درباره ولادت امام علی علیه السلام نقل می کند که در متن روایت ولادت ایشان در ایام حج و روز ترویبه اتفاق افتاده است. وی به صراحت این خبر را معارض با سایر روایات اعلام می نماید؛ اما آن را رد نمی کند و معتقد است که احتمالاً ماه رجب در زمان ولادت امام علی علیه السلام مقارن با ایام نسی^{۳۹} بوده است و به همین دلیل، عربها در آن برهه زمانی در ماه رجب و نه در ماه ذوالحجه، مشغول اعمال حج بوده اند.^{۴۰}

مجلسی درباره تاریخ ولادت و شهادت امام جواد علیه السلام، قسمتی از *کشف الغمّة* را نقل کرده که شامل چندین روایت است و مضمون همه روایات، بر شهادت امام جواد علیه السلام در زمان معتصم عباسی (د. ۲۲۷ق.ق.) دلالت دارند؛ به جز یک روایت که تأکید بر مسمومیت ایشان در زمان واثق (د. ۲۳۲ق.ق.) دارد. مجلسی با توجه به گزارش های مورخان که تاریخ به خلافت رسیدن واثق را در ربیع الأول سال ۲۲۷ ضبط کرده اند، می نویسد: امام جواد علیه السلام تا این تاریخ، در قید حیات نبوده است. فقط روایت مسعودی (د. ۳۴۵ق.ق.) در *مروج الذهب* رحلت ایشان را به دوره واثق نسبت داده و مدعی شده که واثق، بر ایشان نماز خوانده است.^{۴۱} با توجه به شأن والای روایت های *مروج الذهب*، مجلسی روایت این کتاب را رد نکرده؛ بلکه با تذکر به نکته ای ظریف، تعارض آن را با دیگر اخبار رفع کرده است. مجلسی احتمال داده که شاید واثق در دوران خلافت پدرش، معتصم، بر بدن امام جواد علیه السلام نماز خوانده و این امر، موجب اشتباهی شده که عده ای گمان کرده اند که ایشان

در زمان خلافت واثق، از دنیا رفته است.^{۴۲}

در روایت کافی کلینی و الغیبه طوسی، سال ولادت امام دوازدهم (عج) از قول امام عسکری علیه السلام، سال ۲۵۶ هجری ذکر شده است. مجلسی، به تفاوت بین این روایت و روایت مشهور اشاره می‌کند و می‌نویسد: آنچه بین ما مشهور است، ۲۵۵ هجری است و شاید روایت مربوط به سال ۲۵۶، بر اساس سال شمسی باشد.^{۴۳}

در یک روایت از کافی از قول امام باقر علیه السلام، امام دوازدهم (عج) به عنوان فرزند کنیز سیاه، توصیف شده است. مجلسی خاطر نشان می‌کند: چنین توصیفی، با تمام روایات درباره مادر ایشان مخالفت دارد و احتمالاً مربوط به مادران با واسطه (مادران نرجس) یا پرورش‌دهنده (دایه) ایشان است.^{۴۴}

۵. شرح اخبار تاریخی منابع شیعی

۵ - ۱. شرح اخبار تاریخی با مضمون پیشگویی

در المناقب ابن شهر آشوب، خطبه‌ای از امام علی علیه السلام موجود است که در آن خطبه، آینده پیش‌بینی شده و به طور ویژه، حکومت بنی‌عباس توصیف گردیده است. در متن خطبه، حکومتی توصیف شده که در آغاز سبز و در پایان فروپاشیده است؛ اولین آنان، رئوف‌ترین و دومین آنان، خونریزترین و پنجمین آنان، سردارترین و جنگنده‌ترین، و هفتمین آنان، دانشمندترین و دهمین آنان، کافرترین است. پانزدهمین آنان، پیوسته مشغول جنگ است و شانزدهمین آنان، قاطع رحم نیست و رعایت تعهد می‌کند و هجدهمین آنان، به دست اطرافیان کشته می‌شود و سه تن از آنان، گمراه‌اند. نفر بیست و دوم از آنان، حکومتی طولانی دارد و حکومت از نفر بیست و ششم آنان می‌گریزد و گویا او را می‌بینم که به روی پل بغداد کشته شده است.^{۴۵}

مجلسی می‌نویسد: تمامی صفات موجود در این خطبه، قابل انطباق بر خلفای بنی‌عباس است. منظور از درخت، می‌تواند درخت ملعونه مورد اشاره قرآن باشد که آن هم سبز است و یا اینکه اشاره به طراوت و قدرت حکومت آنان در ابتدای تشکیل دارد.^{۴۶} سپس مجلسی، تک‌تک صفاتی را که در خطبه ذکر شده است، نام می‌برد و توضیح

می‌دهد که صفات مذکور در این خطبه، کاملاً بر خلفای دولت بنی‌عباس منطبق است. بر این مبنای سجاح (۱۳۲ - ۱۳۶ ق.) رئوف‌ترین بنی‌عباس، و منصور (۱۳۶ - ۱۵۸ ق.) از آن جهت که با حيله‌گری، بیشترین خون را ریخت، خونریزترین آنان است. هارون (۱۷۰ - ۱۹۳ ق.) جنگنده‌ترین آنان، مأمون (۱۹۸ - ۲۱۸ ق.) دانشمندترین آنان، و متوکل (۲۳۲ - ۲۴۷ ق.) کافرترین آنان است. پانزدهمین، اشاره به معتمد عباسی (۲۵۶ - ۲۷۹ ق.) دارد که در نبرد دائمی با مخالفان بود و شانزدهمین، معتضد (۲۷۹ - ۲۸۹ ق.) است که به علت خوابی که درباره امام علی علیه السلام دید، با خاندان او به انصاف رفتار کرد. هجدهمین، خلیفه مقتدر (۲۹۵ - ۳۲۰ ق.) است که به دست اطرافیان و سرداران ترک کشته شد. نفر بیست‌ودوم مورد اشاره امام علی علیه السلام، مکتفی (۲۸۹ - ۲۹۵ ق.) است که خلافت در زمان وی به دست خاندان بویه افتاد. گفته شده که ایام خلافت او، یک سال و چهار ماه بوده است که از نظر مجلسی، این خطایی از سوی برخی مورخان یا محدثان است؛ زیرا مدت حکومت او، ۲۵ یا ۲۶ سال است.

مجلسی، این احتمال را هم مطرح کرده است که منظور از نفر بیست‌ودوم می‌تواند قائم عباسی (۴۲۲ - ۴۶۷ ق.) باشد و خلفایی که استقلال نداشته یا مدت کوتاهی بر سر کار بوده‌اند، در شمارش امام علی علیه السلام محسوب نشده‌اند. بر این اساس، نفر بیست‌وششم به ترتیب تاریخی، راشد است که به دست فداییان اسماعیلی کشته شد و شاید منظور، مستعصم (۶۴۰ - ۶۵۶ ق.) باشد که به ترتیب تاریخی، خلیفه سی‌وهفتم است؛ اما شاید مراد امام علیه السلام، خلفای مهم بوده باشند که نفر بیست‌وششم مستعصم می‌شود؛ زیرا برخی از آنان استقلال نداشته، اسیر ترکان و دیلمان بوده‌اند.^{۴۷}

شبیبه این خطبه، در کتاب *کفایة الأثر خزاز رازی* (د. ۴۰۰ ق؟) آمده است که امام علی علیه السلام در خطبه‌ای، تعداد پادشاهان از نسل بنی‌شیبان را ۴۴ نفر دانسته و از میان آنها، به القابی چون: سجاح، مقلاص، مجموع و مانند اینها اشاره کرده است.^{۴۸} مجلسی در توضیح روایت مدعی است، منظور از بنی‌شیبان، همان بنی‌شیطان است که در واقع،

اشاره به بنی عباس دارد.

مجلسی، احتمال می‌دهد که ۴۴ نفر مذکور در خطبه امام علی علیه السلام، باید با احتساب خلفایی باشد که بسیار کوتاه‌مدت و بی‌استقلال بوده‌اند؛ اما خودش تلویحاً اشاره کرده که با چنین توجیهی نیز تعداد آنان از ۳۷ تن فراتر نمی‌رود. گمانه‌زنی دیگر مجلسی، این است که منظور امام علی علیه السلام، شاخه‌های مختلف خاندان عباسی بوده است که در امر خلافت، دستی داشته‌اند.^{۴۹}

گفت‌وگویی میان داودبن علی عباسی و امام باقر علیه السلام در کافی نقل شده که طی آن، امام باقر علیه السلام پیش‌بینی کرده است، حکومت پس از بنی‌امیه به دست بنی‌عباس خواهد افتاد. امام علیه السلام با مخاطب قراردادن داودبن علی فرموده است: شما حکومت خواهید کرد؛ تا زمانی که خونی از ما را به حرام نریزید و اگر چنین کاری انجام دهید، زیر زمین برای شما بهتر از روی زمین خواهد بود.^{۵۰}

مجلسی در توضیح عبارت «خونی از ما...» توضیح می‌دهد که یا منظور اهل بیت است و به طور مشخص، ساداتی که در زمان منصور و هارون کشته شدند، یا فردی از علویان است که مقارن با سقوط خلافت عباسی کشته شد و ابن‌علقمی (د. ۵۶۵۶ق.) در نامه خود به خواجه نصیرالدین طوسی (د. ۶۷۲ق.) به این واقعه اشاره کرده است.^{۵۱}

استنباط‌های مجلسی در برخی زمینه‌ها، منحصر به فرد است. در کتاب *الغیبه نعمانی*، از یکی از صادقین علیه السلام نشانه‌های ظاهری امام دوازدهم (عج) بیان شده که یکی از این صفات وی، فرزند شش بودن است.^{۵۲} مجلسی، حدیث را این‌گونه تفسیر می‌کند که منظور از عبارت شش، سنّ امام دوازدهم (عج) در هنگام امامت بوده است.

احتمال دوم مجلسی که برخاسته از مهارت ویژه وی در ارائه تفاسیر بدیع به حساب می‌آید، ناظر بر این است که تعداد نام پدران امام غائب (عج) (امامان قبلی) تا پیامبر صلی الله علیه و آله بدون تکرار، شش مورد بوده است؛ یعنی اسامی امامان شیعه تا امام یازدهم علیه السلام، شامل شش اسم: محمد، حسین، علی، جعفر، موسی و حسن هستند و منظور از فرزند شش بودن

را می‌توان این‌گونه برداشت کرد. احتمال آخر مجلسی، این است که برخی از این اخبار، از واقفیه به ما رسیده و چندان مورد اطمینان نیست.^{۵۳}

بر اساس روایت کتاب *الغیبه نعمانی*، امام صادق علیه السلام ادعای زیدبن علی (د. ۱۲۲ق.) که خود را فرزند شش معصوم خوانده بود، رد کرده بود.^{۵۴} مجلسی می‌نویسد: ادعای زید، شاید از این جهت بوده است که او امام حسن علیه السلام را مجازاً در شمار پدران خویش دانسته و حضرت فاطمه علیه السلام را نیز در شمار معصومان آورده و بدین وسیله، خود را فرزند شش معصوم خوانده است.^{۵۵}

در کتاب *الغیبه طوسی*، فرمانی از امام دوازدهم (عج) در دوره غیبت صغری نقل شده است که ایشان بنی‌فرات و برسی‌ها را از زیارت قبور قریش منع کردند؛ زیرا خلیفه عباسی دستور داده بود که زیارت‌کنندگان دستگیر شوند.^{۵۶} مجلسی می‌نویسد: بنی‌فرات، خاندان فضل‌بن‌جعفر بن فرات، مصحح طریق خطبه شششقیه هستند. برس، دهکده‌ای بین حله و کوفه است و از این روایت مستفاد می‌شود که اهالی آن، شیعه بوده‌اند. منظور از مقابر قریش نیز مرقد امامین جوادین علیه السلام در کاظمین است.^{۵۷}

قرب الأَسناد، حدیثی از امام رضا علیه السلام نقل کرده است که خود شرحی بر سخن امام باقر علیه السلام محسوب می‌شود و مضمون آن، این است که قبل از ظهور قائم (عج)، ۴ حادثه اتفاق می‌افتد. امام رضا علیه السلام فرمود: سه واقعه اتفاق افتاده است؛ خلع شدن صاحب خراسان در ماه رجب، شوریدن بر ضد ابن‌زبیده در ماه رجب و قیام محمدبن‌ابراهیم در کوفه طیّ ماه رجب. مجلسی می‌گوید: منظور از صاحب خراسان، مأمون و منظور از ابن‌زبیده، امین (۱۹۳ - ۱۹۸ق.) و منظور از محمدبن‌ابراهیم، قیام ابن‌طباطبا در جمادی‌الثانی حدود سال ۲۰۰ در کوفه است.^{۵۸}

الغیبه نعمانی، گفت‌وگویی از امام علی علیه السلام و امام حسین علیه السلام را درباره حوادث آینده ضبط کرده است. در پیشگویی امام علی علیه السلام، اشاره به قیام‌کننده‌ای شده است که از خراسان قیام می‌کند و بر کوفان^{۵۹} و ملتان^{۶۰} غلبه می‌کند و جزیره بنی‌کاوآن را می‌گیرد و

قیام‌کننده‌ای از اهل بیت در گیلان که مردم دیلم و آبر^{۶۱} وی را یاری می‌کنند و پرچم‌های ترکان برای حمایت از وی افراشته می‌شوند.^{۶۲}

از نظر مجلسی، قیام‌کننده از خراسان، هلاکوخان (۱۲۵۶ - ۱۲۶۵ م.) یا چنگیزخان مغول (۱۲۰۶ - ۱۲۲۷ م.) است و بنی‌کاوان، جزیره‌ای در نزدیکی بصره است. قیام‌کننده‌ای از اهل بیت در گیلان، همان شاه‌اسماعیل اول صفوی (۹۰۷ - ۹۳۰ ق.) است و آبر، دهکده‌ای در نزدیکی استرآباد است. در روایت امام علی علیه السلام، اشاره به قوچی شده است که فرزندش را می‌کشد و برای خون‌خواهی وی، قیامی صورت می‌گیرد. مجلسی می‌نویسد: این قوچ، کنایه از شاه‌عباس اول صفوی (۹۹۶ - ۱۰۳۸ ق.) است که فرزندش را کشت. او اضافه می‌کند که از متن خبر بر نمی‌آید که قیام امام دوازدهم (عج) بلافاصله پس از این وقایع باشد و لزومی هم ندارد؛ زیرا احتمال دارد که بسیاری از وقایع، در این خبر حذف شده باشد.^{۶۳}

روایتی در کتاب *الغیة نعمانی*، ناظر به پیشگویی قیام گروهی از مردم شرق، پیش از ظهور امام دوازدهم (عج) است. از نظر مجلسی، بعید نیست که این گروه، صفویه باشند.^{۶۴}

۵ - ۲. شرح اخبار مرتبط با تاریخ انمه علیه السلام

مجلسی پس از نقل روایاتی درباره مکان دفن حضرت علی علیه السلام، در جمع‌بندی می‌نویسد: میان اهل سنت و شیعه در باب مکان دقیق دفن ایشان، اتفاق نظر نیست. مخالفان، رحبه مسجد کوفه، داخل قصر اماره را مدفن ایشان می‌دانند و حتی بر اساس روایات آنان، بدن امام علی علیه السلام توسط امام حسن علیه السلام به مدینه انتقال یافته و در بقیع دفن شده است. برخی از جهال شیعه نیز در محله کرخ به زیارت ایشان می‌روند. شیعه امامیه بر دفن ایشان در غری که زیارتگاه امروزی آن است، اتفاق نظر دارند.^{۶۵}

مجلسی، علل به‌وجود آمدن اختلاف نظر در مورد مدفن امام علی علیه السلام را تاریخی می‌داند و تأکید می‌کند که این روایات مختلف، به جهت مخفی بودن دفن ایشان از ترس اهانت خوارچ به وجود آمده و امام صادق علیه السلام در دوره سفاح، مکان دقیق قبر ایشان را به

همه نشان داده‌اند.^{۶۶}

ابن شهر آشوب در کتاب مناقب آل ابی طالب علیهم السلام چند تن از شاگردان امام صادق علیه السلام، از جمله: مالک بن انس (د. ۱۷۹ق.)، ابوحنیفه (د. ۱۵۰ق.) و سفیان ثوری (د. ۱۶۱ق.) را نام برده است.^{۶۷} مجلسی ضمن پذیرش روایت ابن شهر آشوب، توضیح می‌دهد که برخی از مخالفان شیعه، شاگرد ایشان بوده‌اند و منظور از نام بردن، مدح آنان نیست؛ بلکه غرض این است که فضل امام شیعه، بر زبان مخالفان آنان نیز جاری شده است؛ و گرنه کفر برخی از آنان، از کفر ابلیس و فرعون مشهورتر است.^{۶۸}

در میان شروح مجلسی، برخی توضیحات فنی موجود است که یک نمونه آن، تبیین اقتصادی یک روایت است. روایتی از کافی مدعی است که فرماندار مدینه، طبق دستور منصور دوانیقی، از امام صادق علیه السلام سؤال کرد: چرا در زمان پیامبر صلی الله علیه و آله زکات ۲۰۰ درهم، پنج درهم بوده؛ ولی اکنون به هفت درهم رسیده است؟ امام علیه السلام در پاسخ گفته بود: ۴۰ اوقیه، یک اوقیه زکات دارد و با دراهم امروزی، هفت درهم می‌شود که به وزن شش درهم قدیم است و آن درهم‌ها، پنج دانگ بوده است.

مجلسی در توضیح جملات امام صادق علیه السلام، دو نکته را متذکر شده است:

نکته اول اینکه وزن درهم از زمان پیامبر صلی الله علیه و آله کاهش یافته بود؛ اما اوقیه به عنوان واحد وزن، تغییری نکرده بود و ایشان معادل اوقیه را با درهم محاسبه نمودند. مجلسی اذعان نموده است که این، نظر پدرش، مجلسی اول است. نکته دوم اینکه مردم مدینه، متوجه کم شدن ارزش درهم شده بودند؛ اما دلیل آنکه چرا به میزان زمان پیامبر صلی الله علیه و آله زکات نمی‌دهند، برایشان روشن نبود.^{۶۹}

در کتاب‌های کشف الغمّة، کافی و المناقب روایتی وجود دارد که بر اساس آن، امام جواد علیه السلام در یک جلسه به سی‌هزار سؤال علمی پاسخ داد. مجلسی که گویا در متن روایت تردید دارد، می‌نویسد: اگر هر سؤال، یک جمله ۵۰ حرفی بوده باشد، حجم کل سؤال‌ها، سه برابر قرآن می‌شود و در یک مجلس، امکان پذیر نیست. اگر گفته شود که جواب

سؤال‌ها با بله و خیر بوده یا به سرعت اعجازگونه‌ای پاسخ گفته باشد، باز هم قابل پذیرش نیست؛ زیرا این امر، برای جواب‌ها ممکن است؛ اما برای سؤال‌ها امکان ندارد.

مجلسی بیان می‌کند که برای توضیح این روایت، چند احتمال را می‌توان در نظر گرفت: اول اینکه سی هزار سؤال، کنایه از کثرت سؤال‌هاست؛ نه اینکه تعداد دقیق آنها ۳۰ هزار بوده باشد. دوم اینکه تعداد سؤال‌ها در ذهن پرسش‌کنندگان زیاد بوده؛ اما امام علیه السلام با جواب واحدی توانسته به همه آنها پاسخ دهد. سوم اینکه از جواب‌های کوتاه ایشان، پاسخ‌های بسیاری قابل استنباط بوده است و این پاسخ، از نظر مجلسی به حقیقت نزدیک‌تر است. چهارم اینکه منظور از یک جلسه، مکان آن مجلس بوده که در یک جا برگزار می‌شده؛ اما به دفعات متعدد، تشکیل شده است. پنجمین احتمال مجلسی، این است که شاید زمان، بسط یافته باشد؛ اما خودش تأکید می‌کند که این توجیه، به عقاید صوفیان نزدیک است و در شمار خرافات است. ششم اینکه اعجاز امام علیه السلام، سبب تسریع در سؤال پرسیدن آنان شده باشد یا اینکه ایشان از سؤال‌هایی که در ذهن پرسش‌کنندگان وجود داشته، آگاه بودند و پاسخ داده‌اند. احتمال هفتم مجلسی، این است که سؤال‌ها به صورت مکتوب بوده و ایشان با معجزه به همه آنها پاسخ داده‌اند.^{۷۰}

بر اساس روایت کافی، امام جواد علیه السلام پیش از وفات، امام هادی علیه السلام را به‌عنوان جانشین خود تعیین نمود؛ اما عبدالله بن مساور را تا قبل از بلوغ امام هادی علیه السلام، متصدی اموال خویش معین کرد. مجلسی می‌نویسد: این کار، به دلیل تقیه در برابر مخالفان بوده است؛ زیرا امام معصوم، بالغ و غیربالغ ندارد. مجلسی احتمال می‌دهد که شاید امام جواد علیه السلام با وکیل قرار دادن ابن مساور، قصد داشته تا دست قاضیان دولتی را از اموال اهل بیت علیهم السلام کوتاه نموده، مانع دست‌اندازی آنان شود.^{۷۱}

در *بصائر الدرجات* نامه‌ای از امام کاظم علیه السلام موجود است که ایشان به مناسبت درگذشت هادی عباسی (۱۶۹ - ۱۷۰ ق.)، آن را برای مادرش، خیزران، فرستاده‌اند. مجلسی، پس از این نامه می‌نویسد: شدت تقیه در زمان امام کاظم علیه السلام به حدی بود که

ایشان مجبور بودند مرگ یک کافر را هم تسلیت بگویند.^{۷۲}

۵ - ۳. نکته‌سنجی مجلسی در شرح اخبار

تفسیرهای مجلسی، حاوی برخی نکته‌سنجی‌ها در شرح روایات تاریخی است. در کافی روایتی از امام صادق علیه السلام وجود دارد که عثمان بن عفان، مقداد (د. ۳۳۳ق.) را تهدید کرد که وی را به پروردگار اولش بازخواهد گرداند و مقداد در بستر مرگ به عمار بن یاسر سفارش کرد که به عثمان بگوید: مقداد به سوی پروردگار اولش بازگشت. مجلسی در تفسیر سخن عثمان نوشته است: عثمان از این سخن دو منظور می‌توانسته داشته باشد: نخست اینکه مقداد را به صاحب اولش بازخواهد گرداند که کنایه از برده‌بودن مقداد در دوره جاهلیت است و دیگر اینکه مقداد را به معبود اولش بازخواهد گرداند که کنایه از بت‌پرستی مقداد در آن دوره است.^{۷۳}

شرح‌دادن روایت توسط مجلسی، گاهی بر اساس اطلاعاتی است که از کتاب‌های دیگر به دست آورده است؛ برای نمونه، وی می‌نویسد: برخی علمای ما، در رساله فی الإمامة نوشته‌اند امیه از نسل عبدشمس نبوده و فرزند یک برده رومی بوده که به عبدشمس منسوب شده است؛ زیرا عرب در جاهلیت، اگر بنده‌ای داشت و می‌خواست وی را به خود منسوب کند، او را آزاد می‌کرد و او را به ازدواج زن آزاده‌ای از عرب درمی‌آورد. مجلسی بر اساس این استدلال، نتیجه می‌گیرد که امیه از نسل قریش نیست و احتمال می‌دهد که استدلال امام علی علیه السلام در نامه به معاویه (۴۱ - ۶۰ق.)، مبنی بر انکار قریشی بودن وی، به همین امر بازمی‌گردد.^{۷۴}

ب. نقد اخبار تاریخی منابع غیر شیعی

مجلسی در مقدمه بحار الأنوار، منابع خود را به دو بخش مصادر شیعی و مصادر مخالفان^{۷۵} تقسیم نموده است. مصادر مخالف از نظر مجلسی، منحصر به منابع اهل سنت نیست و همه فرقه‌های غیرامامیه را شامل می‌شود. از همین نوع نام‌گذاری، پیداست که وی به منابع غیرشیعه اعتماد چندانی ندارد و طبیعی است که نقدهای دقیق‌تری را نسبت

به آنها مطرح نموده است. نمایاندن برخی تناقض‌های نهفته در اخبار منابع اهل سنت و ارجاع غیرمستقیم به روایات آن کتاب‌ها، از بارزترین روش‌های نقادی مجلسی در این زمینه است.

۱. تشخیص اخبار شیعی از غیر شیعی

یکی از مهارت‌های روایت‌شناسانه مجلسی، تشخیص روایاتی از اهل سنت است که به کتاب‌های شیعه راه یافته است. مجلسی، گاه بر مبنای سند روایت و گاهی نیز بر اساس محتوای آن، شیعی بودن روایت را معین کرده است. به نظر مجلسی، کتاب *غوالی اللئالی* ابن‌ابی‌جمهور احسائی (د.ج. ۹۰۱ ق.) از کتاب‌های مشهور شیعه و نویسنده آن، فردی فاضل است؛ اما نقطه ضعف آن، وارد کردن روایات مخالفان متعصب از اهل سنت در میان روایات امامیه است.^{۷۶}

در نگاه مجلسی، ترکیب‌شدن روایات اهل سنت با روایات شیعی، نقطه ضعف اساسی برای یک نویسنده یا کتاب محسوب می‌گردد. وی درباره کتاب *تنبيه الخاطر*^{۷۷} می‌نویسد: در این کتاب، بین غث و ثمین تفاوتی نیست و اخباری از امامیه و مخالفان در آن خلط شده و به همین جهت، ما همه روایات آن را ذکر نمی‌کنیم.^{۷۸}

کتاب‌هایی که دارای روایاتی با راویان سنی هستند، تنها در صورتی مورد تأیید مجلسی هستند که علمای پیشین، به گونه‌ای آنها را تأیید کرده باشند. مجلسی معتقد است که بیشتر اسناد روایت‌های کتاب *طب النبوی*^{۷۹} جعفر بن محمد مستغفری (د. ۴۳۲ ق.) به اهل سنت بازمی‌گردد؛ اما این کتاب، در میان علمای شیعه رایج شده است و حتی خواجه نصیرالدین هم به خواندن آن توصیه نموده است.^{۸۰}

۲. شیوه مواجهه با اخبار مشابه در منابع شیعه و اهل سنت

منابع شیعه و سنی، دو تصویر متفاوت از تاریخ پیامبر اسلام ﷺ به دست داده‌اند و گاهی در مصادر یک گروه، روایاتی دیده می‌شود که در مصادر گروه دیگر موجود نیست. مجلسی در نقد روایت شق صدر پیامبر ﷺ در دوران کودکی ایشان، ابتدا اشاره کرده

است که در منابع اهل سنت به آن اشاره شده است و بر اساس روایات منابع شیعه، نه کاملاً قابل رد و نه کاملاً قابل اثبات است. وی سپس، نظرش را به نظر علمای متقدم شیعه حواله داده و خود را در داوری متوقف دانسته است؛ هرچند در جمله پایانی توضیحاتش اظهار کرده است که احتمال وقوع این حادثه، بعید نیست.^{۸۱}

مجلسی برای اثبات برخی خبرها که از حساسیت ویژه‌ای برخوردارند، به شیوه احتجاج اهل کلام، به روایات موجود در منابع غیرشیعی استناد کرده است. وی پس از اشاره به خبر آتش‌سوزی خانه حضرت فاطمه علیها السلام، بعد از ماجرای سقیفه، به قول سید مرتضی استناد کرده است؛ درحالی که سید مرتضی، خود از بلاذری و اهل سنت نقل قول کرده است.^{۸۲}

در بحار الأنوار روایتی از کتاب الغیبه نعمانی درباره امام دوازدهم (عج) وجود دارد که هم سندش به عمر بن سعد بن ابی وقاص (د. ۵۴ق.) می‌رسد و هم از نظر مجلسی تصحیف شده و مغلوط است. مجلسی در تبیین چرایی نقل این روایت می‌نویسد: آن را آورده است تا بگوید که اخبار مربوط به امام دوازدهم (عج) متواتر است و حتی از سوی مخالفان نیز نقل شده است.^{۸۳}

گاهی مجلسی از روایات شیعه و سنی به عنوان مکمل یکدیگر استفاده کرده است. ابن ابی الحدید (د. ۵۶۶ق.) به دلیل معتزلی بودن، جایگاه والایی نزد مجلسی ندارد و در مقدمه بحار الأنوار از کتاب شرح نهج البلاغه وی در شمار کتاب‌های مخالفان شیعه یاد شده است؛^{۸۴} اما مجلسی، روایات تاریخی بسیاری از این کتاب در بحار الأنوار نقل کرده است. خطبه حضرت فاطمه علیها السلام در دفاع از شایستگی امام علی علیه السلام برای خلافت بر مسلمانان، با اسناد مختلف در کتاب‌های شیعه و سنی موجود است؛ اما مجلسی ترجیح داده است تا آن را از شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید نقل کند.^{۸۵} مجلسی پس از نقل کامل روایت از شرح نهج البلاغه، می‌نویسد: این خطبه را در کتاب بلاغات النساء احمد بن ابی طاهر (د. ۲۸۰ق.) دیده و به جهت اختلافی که با سایر روایات دارد، مایل به نقل آن است.^{۸۶} شیعی بودن

نویسنده بلاغات النساء، مانع از انتقاد مجلسی به آن نشده و وی عبارات پایانی خطبه را الحاقی دانسته و معتقد است که موافق سایر روایات نیست.^{۸۷}

مجلسی به این نکته واقف است که برخی روایات موجود در منابع اهل سنت، با طریق راویان شیعی در منابع امامیه هم وجود دارد. او روایتی از کتاب *الفضائل* فضل بن شاذان (د.ح. ۵۹۰ - ۶۰۰ ق.) درباره سلمان فارسی نقل می کند و می نویسد: همه راویان آن، سنی هستند؛ اما بدون اینکه به مصداقی اشاره نماید، مدعی است که همین روایت، با اندکی اختلاف در برخی کتابهای امامیه نیز نقل شده است.^{۸۸}

۳. ارجاع غیرمستقیم به کتابها و روایات اهل سنت

مجلسی، مصادر *بحار الأنوار* را به دو دسته منابع «متن» و «شرح»، تقسیم نموده است که دسته اول، کتابهای شیعی و دسته دوم، کتابهای سنی هستند.^{۸۹} وی برای تدوین بدنه اصلی مطالب *بحار الأنوار*، از منابع شیعه، و برای شرح و توضیح واژه‌های اخبار، از منابع سنی بهره برده است. نگاه احتجاج‌گونه مجلسی به بسیاری از موضوعات *بحار الأنوار*، ضرورتی ایجاب کرده تا وی روایاتی از منابع اهل سنت را که با اعتقادات تشیع امامیه موافق است، نقل کند. بخش تاریخ اسلام *بحار الأنوار* نیز از این قاعده کلی مستثنا نیست و مجلسی تلاش فراوانی کرده تا برخی مطالب تاریخی صحیح از منظر روایات شیعی را در روایات اهل سنت نشان دهد.

نکته جالب توجه اینجاست که ارجاع به روایات سنی، فقط به صورت محدود در قسمت‌های شرح تاریخ‌نگاری *بحار الأنوار* قابل مشاهده است و مجلسی از استناد به مصادر یا روایات اهل سنت در متن تاریخ‌نگاری *بحار الأنوار* شدیداً خودداری کرده است. وی برای ارجاع‌دادن به یک روایت با سند غیرشیعه، غالباً به کتابهای داخلی شیعی ارجاع داده و در موارد نادری، از اصل کتاب اهل سنت نقل روایت کرده است.

به دلیل اینکه اصل برخی مصادر اهل سنت از میان رفته و روایتهای آنان در کتاب-

های دیگر، از جمله کتاب‌های شیعی حفظ شده، طبیعی است که مجلسی غیرمستقیم به آنها ارجاع داده باشد. نقل روایت‌های کتاب *الأمالی* حاکم نیشابوری (د. ۴۰۳ق.)^{۹۰} از کتاب *المناقب* ابن شهر آشوب، و روایت‌های *تاریخ کبیر بخاری* (د. ۲۵۶ق.)^{۹۱} از *المنتقى* کازرونی (د. ۷۵۸ق.) قابل فهم و توجیه است؛ زیرا آن کتاب‌ها می‌توانسته از میان رفته باشند یا اساساً در دسترس مجلسی نبوده باشند؛ اما بدون تردید، مجلسی به کتاب *تاریخ الرسل والملوک* طبری (د. ۳۱۰ق.) دسترسی داشته و می‌توانسته مستقیماً به این کتاب ارجاع دهد. با وجود این، وی ترجیح داده روایات طبری را از کتاب‌های شیعی، مانند *کشف الیقین* علامه حلی^{۹۲} یا حتی از کتاب‌های معتزلیان، مانند *شرح نهج البلاغه* ابن ابی‌الحدید^{۹۳} نقل کند. با اینکه روایت‌های ابومخنف کوفی (د. ۱۵۷ق.)^{۹۴} درباره حادثه کربلا، از طریق طبری باقی مانده است و وی منبعی دست‌اول محسوب می‌شود، اما مجلسی برای نقل این روایت‌ها، به سراغ ابن ابی‌الحدید رفته است.^{۹۵}

کراهت مجلسی نسبت به ارجاع مستقیم به کتاب‌های اهل سنت، شامل منابع غیرتاریخی، از جمله منابع حدیثی نیز می‌شود. مسند احمد بن حنبل، کتاب نایابی در جهان اسلام و از جمله اصفهان اواخر عصر صفوی نبوده است؛ اما مجلسی روایات آن را از طریق کتاب‌های شیعه پیش از خود، مانند *کشف النعمه* اربلی (د. ۶۹۲ق.)^{۹۶} و *الطرائف* سیدبن طاوس (د. ۶۶۴ق.)^{۹۷} در *بحار الأنوار* نقل کرده است. روایت تربیت شدن امام علی عَلَيْهِ السَّلَام در دوران خردسالی در خانه پیامبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، در صحاح سته موجود است؛ اما مجلسی آن را از *الطرائف* سیدبن طاوس نقل کرده؛ در حالی که ارجاع خود ابن طاوس، به تفسیر *ثعلبی* (د. ۴۲۹ق.)^{۹۸} است.

در جمع‌بندی مبحث ارجاع مجلسی به منابع غیرشیعه، می‌توان گفت که وی در دو حالت از روایات و مصادر اهل سنت استفاده کرده است: نخست، در جایی که خبر سنی معارض با اخبار شیعه نیست و می‌تواند در یک موضوع خاص، مکمل روایت شیعه

محسوب شود و دوم، زمانی که مجلسی قصد مثال آوردن از کتاب‌های اهل سنت برای تحکیم معتقدات شیعه و احتجاج با آنان را دارد. مجلسی آشکارا اعلام کرده است، خبر واحدی که از سوی مخالفان (غیرشیعیان) به او می‌رسد، هیچ حجتی برای وی ندارد؛ زیرا جعل احادیث، یک سنت قدیمی است.^{۹۹} شایان ذکر است که این روش، مخصوص مجلسی یا شیوه ابداعی او نیست؛ زیرا در علم‌الحدیث شیعه، بهترین نوع حدیث، حدیثی است که همه روایانش امامی عادل باشند^{۱۰۰} و قرارگرفتن یک غیرشیعه در طریق روایت، سبب تضعیف آن روایت می‌گردد.

۴. نقد محتوایی اخبار غیرشیعی

۴ - ۱. استخراج تناقض‌های نهفته در اخبار

مفصل‌ترین نقد درونی و بیرونی راوی در *بحار الأنوار*، متوجه روایت نمازخواندن ابوبکر با مسلمانان در هنگام بیماری پیامبر ﷺ است. این روایت، از طریق راویان گوناگون در کتاب‌های مختلف اهل سنت وارد شده؛ اما مجلسی مهم‌ترین ایراد را در این مسئله می‌داند که سند بیشتر این روایات، به عایشه (د. ۵۸ق.) می‌رسد.^{۱۰۱}

از نظر مجلسی، صرف نظر از بی‌اعتباری عایشه و دیگر راویان این خبر که به صورت بسیار مفصل به نقد رجالی (جرح و تعدیل) تک‌تک آنان پرداخته، اختلاف‌های فراوانی در متن و محتوای این روایت هم نمایان است؛ زیرا روایات مختلف، این داستان را به گونه‌های مختلفی نقل کرده‌اند. برخی روایات، بیانگر آن است که مردم هم‌زمان با ابوبکر نماز می‌خواندند و در برخی آمده که مردم به او اقتدا کرده بودند. از بعضی روایات نیز برمی‌آید که ابوبکر قصد به تأخیر انداختن نماز را داشت و پیامبر ﷺ اشاره کرد که تأخیر نکند و در برخی دیگر آمده است که پیامبر ﷺ کنار وی نشست^{۱۰۲} و حتی بر اساس بعضی روایات، ابوبکر به پیامبر ﷺ اقتدا کرد.^{۱۰۳}

مجلسی با مقایسه روایت انس بن مالک (د. ۹۳ق.) و عایشه درباره امامت ابوبکر در نماز، تضادهای درونی آنها را آشکار می‌کند. مجلسی می‌نویسد: انس روایت کرده است که ابوبکر سه روز با مردم نماز خواند و پیامبر ﷺ پس از سه روز، به مسجد آمد و به ابوبکر

اقتدا کرد. به نظر مجلسی، از مجموع روایاتی که از انس نقل شده است، سه مطلب قابل دریافت است: در یک روایت، پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ هنگامی وارد مسجد شد که ابوبکر نماز را شروع کرده بود. در روایت دیگر، پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ پرده را کنار زده و به ابوبکر، اشاره نموده که نشان آن است هنوز ابوبکر نماز را اقامه نکرده بوده است. روایت سوم که در آن ادعا شده با ورود پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ همه‌های میان مردم افتاد که نزدیک بود نماز را بشکنند و این، به روایت اول نزدیک است. مجلسی، این اختلاف‌های درونی را وجوه ضعف این روایت محسوب می‌کند.^{۱۰۴}

مجلسی در ادامه نقد محتوایی این روایت، یکی از نشانه‌های جعلی بودن خبر نماز ابوبکر را روایتی می‌داند که بر اساس آن، پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ با سه بار گفتن واژه «لا» (نه)، ادعای عمر برای اجازه پیش‌نمازی ابوبکر توسط پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ را نفی کرده است. مجلسی می‌نویسد: ابن‌عبدالبر (د. ۴۶۳ق.) در *الإستیعاب* متوجه این موضوع شده و اذعان کرده که ما توافق داریم پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ به ابوبکر دستور نداده است که با مردم نماز بخواند.^{۱۰۵} مجلسی این تعارض‌ها را شامل تفاوت روایات نقل شده از عایشه و انس بن‌مالک نیز می‌داند.^{۱۰۶}

شریف جرجانی (د. ۸۱۶ق.) در *المواقف*، برای اثبات صحت خبر نماز ابوبکر با مسلمانان، متوسل به روایت دیگری شده است. وی به سخن ابوبکر در روز سقیفه استناد کرده که بر اساس آن، ابوبکر مدعی شد پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در نماز به وی اقتدا کرده است. مجلسی، این شیوه جرجانی برای اثبات صحت خبر را خطا می‌داند و معتقد است که بررسی یک روایت، باید به سند و متن همان روایت محدود شود و می‌افزاید: جرجانی عاجز بوده است که اصل سند روایت را بیابد تا متوجه ضعف سندی آن گردد.^{۱۰۷} نکته پایانی مجلسی که متضمن نقد کلامی است، معطوف به این مسئله است که به فرض محال، حتی اگر نماز ابوبکر با مسلمانان اثبات شود، نشانه برتری امام بر مأموم نیست؛ زیرا اگر این‌گونه باشد، وی از پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ نیز برتر است.^{۱۰۸}

مجلسی، پس از نقل اخباری درباره انتقاد به ابوبکر و عمر برای غصب خلافت توسط

آنان از کتاب‌های شیعه و سنی، عدم پذیرش این اخبار از سوی علمای متعصب سنی را سبب بطلان آنها ندانسته است. نگرش مجلسی در تدوین تاریخ امامیه بر اساس منابع درونی این مذهب، از یک اظهار نظر وی قابل دریافت است. او می‌نویسد: محدثان اهل سنت، اگر اخبار مخالف خلفا را معتبر نمی‌دانستند، نقل نمی‌کردند و ما هم به آنها اعتماد داریم؛ زیرا روایات امامیه، این گونه روایات را تأیید می‌کند. این حکم مجلسی، به این معناست که وی در تاریخ‌نگاری، صرف انتقاد وارد کردن به خلفا بر اساس منابع سنی را صحیح نمی‌داند؛ چون اساساً اعتمادی به این منابع ندارد و آنها اعتباری ندارند؛ مگر اینکه همان روایات، متضمن نقد به خلفا با مطالب متون امامیه موافق باشد؛ چون در نظر وی، فقط منابع اخیرالذکر منبع معتبر محسوب می‌شوند.^{۱۰۹}

۴ - ۲. اعتماد مشروط و محتاطانه به اخبار غیر شیعی

مجلسی همه روایات مشابه با اهل سنت را رد نمی‌کند؛ بلکه به واسطه منابع درونی امامیه، به نقل روایات اهل سنت می‌پردازد؛ به عنوان نمونه، وی روایت معروف توصیف شمایل پیامبر ﷺ را از معانی الأخبار صدوق نقل کرده؛ اما خودش خاطر نشان کرده است که این روایت، در بیشتر کتاب‌های عامه وجود دارد.^{۱۱۰} این قسمت، از معدود بخش‌هایی است که مجلسی از منابع مختلف سنی برای شرح یک روایت بهره برده و حتی قسمتی از شرح آنها را نقل کرده است؛^{۱۱۱} اما باید توجه کرد که محوریت روایت، نقل قول صدوق است و مجلسی در پایان، دو فقره از توصیفات صدوق را آورده است که در سایر منابع موجود نیست.^{۱۱۲}

همه روایات کتاب الفضائل ابن‌شاذان درباره معجزات پیامبر ﷺ در دوران شیرخوارگی و کودکی، از واقعی نقل شده است.^{۱۱۳} مجلسی، پس از نقل همه آنها، اضافه کرده است که اعتماد بسیاری به این اخبار دارد. وی معتقد است، اگر این درجه از اعتماد وجود نداشت، به دلیل نقل شدن این اخبار از سوی مخالفان و محتوای اعجاز‌گونه این روایات، باید آنها را در بخشی تحت عنوان «غرائب» جای می‌داد.^{۱۱۴}

مجلسی به صراحت اعلام می‌کند که به اخبار کتاب *المنتقى فی مولود المصطفى* کازرونی اعتماد ندارد؛ اما به دلیل اینکه این روایات به صورت پراکنده در سایر کتاب‌ها موجود است و صحت برخی از آنها واضح است، اقدام به نقل آنها کرده است.^{۱۱۵}

سیدبن طاوس در کتاب *الطرائف*، خبر سدّ ابواب را از مسند احمدبن حنبل نقل کرده است. مجلسی، پس از نقل این خبر از کتاب *الطرائف*، می‌نویسد: این خبر، متواتر است.^{۱۱۶}

به نظر می‌رسد، مجلسی از میان کتاب‌های مختلف حدیثی اهل سنت به نقل قول از مسند احمدبن حنبل، راغب‌تر است؛ زیرا اخبار بسیاری در بخش تاریخ اسلام *بحار الأنوار* به صورت غیرمستقیم و با ارجاع با واسطه از مسند احمد وجود دارد. تمایل مجلسی به نقل قول غیرمستقیم از مسند احمدبن حنبل، یا به دلیل شباهت برخی روایات آن با روایات منابع شیعه است و یا به دلیل استفاده فراوان محدث و کتاب‌شناس برجسته‌ای مانند سیدبن طاوس از روایات این کتاب است.

نمونه دیگری که مربوط به مسئله‌ای تاریخی - فقهی است و تفکر مجلسی درباره تفاوت اعتبار متون شیعه و سنی را نمایندگی می‌کند، مربوط به ازدواج متعه است. مجلسی، پس از نقل مطالبی از کتاب *الشافعی* سید مرتضی معتقد است که ازدواج متعه، توسط عمر منع شده و امام علی علیه السلام قائل به شرعی بودن آن بوده است. سپس، وی به نظر شیخ مفید (د. ۴۱۳ق.) مبنی بر انکار شرعی بودن ازدواج متعه اشاره کرده است. دلیل شیخ مفید برای ردّ ازدواج متعه، این است که اخبار جواز آن، از طریق اهل سنت به ما نرسیده است و مجلسی این دلیل شیخ مفید را حیرت‌آور توصیف می‌کند.^{۱۱۷}

پ. ابتکارهای مجلسی در نقادی اخبار

۱. توجه به عنصر زمان در نقد اخبار

مجلسی در مقدمه مبحث تاریخ ولادت پیامبر صلی الله علیه و آله، سه روایت ۱۷ ربیع‌الأول، ۱۲ ربیع‌الأول و ماه رمضان را ذکر کرده و خبر اوّل را دیدگاه امامیه و خبر دوم و سوم را دیدگاه اهل سنت دانسته است. وی، موافقت کلینی (د. ۳۲۸ق.) با نظر اهل سنت را ناشی از

استنباط خود وی یا تقیه قلمداد کرده است.^{۱۱۸}

مجلسی، به روایت کلینی اشاره می‌کند که وی آغاز ایام حمل مادر پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ را ایام تشریق^{۱۱۹} دانسته و سپس، نقد شهید ثانی بر روایت او را نقل کرده است. آن‌گاه، در تکمیل نقد شهید ثانی بر کلینی می‌نویسد: اگر ایام تشریق را به‌عنوان آغاز حمل پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ بپذیریم، با محاسبه فاصله میان ماه ذی‌الحجه تا ربیع‌الأول، ایام بارداری آمنه سه ماه یا یک سال و سه ماه می‌شود که به لحاظ عقلی، مردود است.^{۱۲۰}

طول دوره غیبت صغرای امام دوازدهم (عج) کمتر از ۷۰ سال است؛ اما با محور قرار دادن روایت طبرسی در *اعلام‌الوری*، این دوره به ۷۴ سال افزایش می‌یابد. مجلسی متوجه این نکته شده و با اشاره به ابتدای امامت امام دوازدهم (عج) و تاریخ مرگ سمی، آخرین نایب خاص در ۳۲۸ ق.، یادآوری کرده است که طول این دوره، به ۷۰ سال هم نمی‌رسد. مجلسی به روش همیشگی، در همان آغاز، روایت را رد نکرده؛ بلکه برای توجیه آن، احتمالی را مطرح کرده است. وی می‌نویسد: شاید طبرسی ابتدای ولادت امام عَلَيْهِ السَّلَام در سال ۲۵۵ ه.ق. را ملاک قرار داده است و آغاز دوره غیبت صغری را از بدو ولادت ایشان در نظر گرفته است. مجلسی در ادامه، خود پاسخ می‌دهد که حتی اگر چنین مسئله‌ای مد نظر طبرسی بوده باشد، باز هم ایام غیبت صغری از ۷۴ سال کمتر می‌شود.^{۱۲۱}

نظرپردازی مجلسی درباره برخی روایاتی که متن آنها کمی مبهم به نظر می‌رسد، شایان توجه است. در کتاب *الغیبه طوسی* و کتاب *الغیبه نعمانی* روایتی از امام کاظم عَلَيْهِ السَّلَام خطاب به علی بن یقطين^{۱۲۲} (د. ۱۸۲ ق.) درباره ظهور فرج نقل شده است که فرمودند: شیعیان ما، ۲۰۰ سال با آرزو تربیت می‌شوند. مجلسی به توجیه این ۲۰۰ سال پرداخته و با محور قرار دادن رحلت امام کاظم عَلَيْهِ السَّلَام به‌عنوان گوینده سخن، چند احتمال برای آن در نظر گرفته است.

احتمال اول از منظر مجلسی، این است که این ۲۰۰ سال نمی‌تواند تا شهادت امام کاظم عَلَيْهِ السَّلَام باشد؛ زیرا تاریخ شهادت ایشان، سال ۱۸۳ ه.ق است و در نظر اهل حساب و

نجوم، نمی‌توان آن را با کسر ۱۷ سال به دویت تبدیل نمود و این، غلط است. احتمال دوم، این است که ۲۰۰ سال از آغاز بعثت محاسبه شود؛ زیرا پیامبر ﷺ از همان آغاز به ظهور امامان ائمه اطهار علیهم السلام بشارت می‌داد و اگر ۱۳ سال پیش از هجرت به تاریخ وفات امام کاظم علیهم السلام اضافه شود، ۱۹۶ سال می‌شود و کسر ۴ سال تا ۲۰۰ سال در حدیث، قابل پذیرش است.

احتمال سوم، این است که این تربیت‌شدن با آرزوی فرج، از دوره هجرت آغاز شده و تا زمان ولایتعهدی امام رضا علیهم السلام و ضرب سکه به نام ایشان، در سال ۲۰۰ باشد. احتمال چهارم، این است که این تربیت شامل قبل و بعد از امام کاظم علیهم السلام می‌شود و در دوره زمانی بین شهادت امام حسین علیهم السلام تا آغاز غیبت صغری امام دوازدهم (عج) بوده است که دقیقاً مطابق با ۲۰۰ سال است. مجلسی با فرض صحت این احتمال، معتقد است باید پذیرفت که این تربیت، لزوم داشت؛ زیرا شیعه پس از امام حسین علیهم السلام امامی نمی‌دید (احتمالاً منظور وی، تقیه امام سجاد علیهم السلام و محدودشدن رابطه شیعیان با ایشان است) و آنان محتاج امید و تمنا بودند. مجلسی، در پایان تأکید کرده است که این، بهترین استنباط‌هایی است که به ذهن او خطور کرده و خداوند به حقیقت امر دانانتر است.^{۱۳۳}

در کتاب الغیبه طوسی و الغیبه نعمانی، روایتی از امام باقر علیهم السلام نقل شده که بر اساس آن، ظهور فرج ۷۰ سال بوده است؛ اما پس از شهادت امام حسین علیهم السلام، خداوند خشم گرفت و آن را تا ۱۴۰ سال به تأخیر انداخت. مجلسی می‌نویسد: گفته شده که «۷۰» اشاره به تاریخ قیام امام حسین علیهم السلام، و «۱۴۰» اشاره به تاریخ ولیعهدشدن امام رضا علیهم السلام دارد. وی، سپس توضیح می‌دهد که این، با تاریخ‌های مشهور سازگار نیست؛ زیرا امام حسین علیهم السلام در سال ۶۱ هجری. به شهادت رسید و تاریخ ولایتعهدی امام رضا علیهم السلام، سال ۲۰۰ هجری است.

مجلسی معتقد است، اگر مبدأ محاسبه تاریخ، بعثت پیامبر ﷺ در نظر گرفته شود و قیام امام حسین علیهم السلام را در هنگام فراهم‌شدن زمینه‌های آن، پیش از مرگ معاویه در سال ۶۰

فرض کنیم، تاریخ احادیثِ بالا مطابق با واقع می‌شود. مجلسی احتمال می‌دهد، ممکن است «۱۴۰» اشاره به تاریخ قیام زیدبن‌علی (د. ۱۲۲ق.) باشد که در سال ۱۲۲ واقع شد؛ اما با احتساب بعثت پیامبر ﷺ به‌عنوان مبدأ تاریخ، به رقم ۱۴۰ نزدیک می‌شود. اگر مراد از ۱۴۰ سقوط بنی‌امیه باشد، با افزودن رقم ۱۲۸، یعنی سال آغاز دعوت ابومسلم در خراسان و احتساب بعثت پیامبر ﷺ به‌عنوان مبدأ تحولات، رقم ۱۴۰ کامل می‌شود. احتمال پایانی مجلسی، این است که منظور از عدد ۷۰، قیام مختار (د. ۶۷ق.) است که وی نزدیک به همین تاریخ، یعنی ۶۷هـ.ق. کشته شده است و منظور از قیام دوم و عدد ۱۴۰، نشر دعوت توسط امام صادق علیه السلام در حدود سال ۱۴۰هـ.ق. و انتشار شیعیان در جهان اسلام است که پس از سقوط بنی‌امیه (۴۱ - ۱۳۲ق.)، میسر شد.^{۱۳۴}

۲. اهمیت دادن به سند در پذیرش خبر

روایتی در *بصائر الدرجات* از قول امام صادق علیه السلام وجود دارد، مبنی بر اینکه پیامبر ﷺ در هنگام نماز، وسیله‌ای سنگین در دست داشته و یک پای خود را بالا می‌گرفته است. مجلسی احتمال داده است که تحمل این اشیای سنگین، پیش‌تر در شریعت بوده و سپس نسخ شده است.^{۱۳۵} این توجیه مجلسی، بیانگر یک شیوه نقد بسیار مهم وی است و نشان می‌دهد هنگامی که سند یک روایت، قوی است، نمی‌توان آن را رد کرد؛ بلکه باید درباره آن، احتمال‌هایی را مطرح کرد.

مجلسی، پس از نقل یک قسمت از کتاب *الأَنْوار* ابوالحسن بکری (د. ابتدای سده ۷ق.) در تاریخ پیامبر ﷺ اظهار کرده است که حکایات این کتاب را فقط به این دلیل نقل کرده که دارای برخی معجزات و اخبار نادر است. سپس، وی آشکارا از بی‌اعتمادی خویش نسبت به محتوای روایات این کتاب به دلیل فاقد سند بودن آنها سخن به میان آورده است.^{۱۳۶} شایان توجه است، مجلسی در قسمت دیگری از *بحار الأنوار*، در یک موضع‌گیری کاملاً متفاوت اظهار کرده است که روایات کتاب *الأَنْوار* بکری، با روایات صحیح و اخبار کتاب‌های شیعه موافق است.^{۱۳۷}

۳. ژرف‌نگری در واژه‌های روایات

باریک‌بینی مجلسی، حتی در جابه‌جایی حروف کلمات نیز به چشم می‌خورد. وی، پس از نقل روایتی از کافی، توضیح می‌دهد که در برخی نسخه‌های این کتاب، فعل «اقتفر» (در پی چیزی رفتن) به جای فعل «افتقر» (به چیزی نیازمند شدن) آمده است و سپس، تفاوت معنایی این دو فعل را بیان می‌کند.^{۱۲۸}

مجلسی، روایت فتح حبشه توسط سیف‌بن‌ذی‌یزن و گفت‌وگوی او با عبدالمطلب را از کمال‌الدین صدوق نقل کرده و آن‌گاه، توضیحاتی درباره برخی واژه‌های دشوار این روایت داده است. سپس، وی در یک مقایسه نسخه‌شناسانه اظهار کرده که فعل «أخبرناه» (به او خبر دادیم)، در بعضی نسخه‌ها «أخفیناه»^{۱۲۹} (برای او روشن نمودیم)، و در برخی روایات مشابه در کتاب‌های اهل سنت، «إحتجناه» (برای او دلیل آوردیم) ضبط شده و توضیح کوتاهی درباره تفاوت آنها بیان کرده است.^{۱۳۰}

۴. امانت‌داری مجلسی در نقل مطالب اخبار

مجلسی پس از نقل روایتی از کشی (د.ح. ۳۴۰ ق.) که موضوع آن یکی از خطبه‌های سلمان فارسی است، به یک اختلاف در نسخه‌های مختلف اشاره کرده است. او معتقد است که اصل برخی از عبارات خطبه سلمان درباره معصومان عَلَيْهِمُ السَّلَامُ، در بیشتر نسخه‌ها، به گونه‌ای متفاوت از چیزی است که وی نقل نموده و برای نمونه، یک جمله سلمان را ذکر کرده است.

چرا مجلسی با وجود اینکه عبارت صحیح‌تر را می‌دانسته، اما در متن روایت منقول از کشی، آن را نقل نکرده و پس از اتمام نقل قول، به عبارت بدیل آن در نسخه‌های دیگر اشاره کرده است؟ پاسخ مجلسی، نشان از امانت‌داری او در نقل مطالب کتاب‌ها دارد. او پاسخ می‌دهد: نسخه‌هایی وجود دارد که حاوی تصحیقاتی است و چون وی نسخه‌هایی جز از همین نوع را در اختیار نداشته، به‌ناچار از همین نسخه‌ها روایت کرده است.^{۱۳۱}

نتیجه

مجلسی، همواره پس از نقل هر روایت، اگر روایت مشابه آن در سایر منابع شیعه وجود داشته باشد، به آن ارجاع می‌دهد. وی، مشابهت میان برخی روایات شیعه با روایات اهل سنت را نشانه ضعف اخبار شیعه می‌داند و در مورد اخبار اهل سنت معتقد است، زمانی می‌توان به آنها استناد نمود که تأییدکننده روایات شیعی باشند. بر همین اساس، با اینکه مجلسی به بسیاری از کتاب‌های اهل سنت، نظیر: صحاح سته، کتاب‌های سیره همانند سیره ابن اسحاق و مغازی واقدی و کتاب‌های تفسیری آنان دسترسی داشته، از ارجاع مستقیم به آنان خودداری کرده و هر روایتی را که نیاز به نقل داشته، به واسطه کتاب‌های شیعه، نظیر کتاب‌های سیدبن طاوس، نقل کرده است. مجلسی، با نقد محتوای روایات کتاب‌های شیعه، برخی اطلاعاتی را که به نظر وی نادرست می‌رسیده، تذکر داده است.

رفع تعارض اخبار کتاب‌های مختلف شیعی، یکی از مسائل مهم مورد نظر مجلسی است که نکته‌سنجی‌ها و مطالعات عمیق وی در مباحث تاریخی را نشان می‌دهد. شرح روایات تاریخی کتاب‌های شیعه برای رفع هرگونه ابهام از نظر مخاطب، از دیگر شیوه‌های مجلسی در توضیح روایات تاریخی است. توجه به عنصر زمان و دقت در گاه‌شماری رویدادها در روایات، از شیوه‌های نقد محتوایی روایت توسط مجلسی است.

پی‌نوشت‌ها

۱. مجلسی، محمدباقر، بحار الأنوار الجامعة لدرر اخبار الائمة الاطهار، بیروت: دار احیاء التراث العربی، الطبعة الثالثة، ۱۴۰۳ق، ج ۱، ص ۶.
 ۲. ابن حجر عسقلانی، احمد بن علی، نزہة النظر فی توضیح نخبة الفكر فی مصطلح اهل الأثر، تحقیق عبدالله بن ضیف‌الله رحیلی، ریاض: فهرسة مكتبة الملك فهد الوطنية اثناء النشر، الطبعة الاولى، ۱۴۲۲ق، ص ۳۶.
 ۳. زین‌الدین عاملی (شهید ثانی)، علی بن احمد، البداية فی علم الدراية، تحقیق محمدرضا حسینی جلالی، قم: انتشارات محلاتی، الطبعة الاولى، ۱۴۲۱ق، ص ۱۸.
 ۴. فضلی، عبدالهادی، اصول حدیث، ترجمه محمدمهدی حقی و ابراهیم اقبال، تهران: بین‌الملل، چاپ اول، ۱۳۸۴ش، ص ۳۹.
 ۵. مجلسی، بحار الأنوار، پیشین، ج ۱، ص ۱۳.
 ۶. همان، ص ۱۶.
 ۷. درباره این کتاب، نظرهای گوناگونی وجود دارد؛ برخی آن را نام دیگر اعلام الوری طبرسی می‌دانند و بعضی نیز نویسنده اصلی آن را سید بن طاوس دانسته‌اند.
 ۸. مجلسی، بحار الأنوار، پیشین، ج ۱، ص ۳۱.
 ۹. همان، ج ۲۲، ص ۴۸۱.
 ۱۰. همان، ج ۳۵، ص ۹.
 ۱۱. همان، ج ۱۵، ص ۳۴۰؛ ج ۱۶، ص ۹۹ و ۱۲۴؛ ج ۱۷، ص ۴؛ ج ۱۸، ص ۱۰۸؛ ج ۱۹، ص ۲۸۴؛ ج ۲۰، ص ۱۱۴؛ ج ۲۱، ص ۳۵۵؛ ج ۲۲، ص ۱۰۵؛ ج ۲۹، ص ۲۱؛ ج ۳۰، ص ۲۱۶؛ ج ۳۱، ص ۳۵۳؛ ج ۳۲، ص ۱۸۸.
- ارجاعات این پی‌نوشت، تنها نمونه‌های اندکی از این شیوه مجلسی است. ارجاع‌دادن مجلسی به روایات مشابه در کتاب‌های شیعه، آن قدر پُر تکرار است که برای شمارش همه آنها، باید مقاله‌ای

مفصل را به آن اختصاص داد.

۱۲. مجلسی، بحار الأنوار، پیشین، ج ۱۷، ص ۳۶۸.
۱۳. همان، ج ۲۱، ص ۱۰.
۱۴. همان، ج ۲۸، ص ۲۱۹.
۱۵. همان، ص ۲۱۹.
۱۶. همان، ص ۲۱۸.
۱۷. همان، ج ۲۹، ص ۴۶.
۱۸. همان، ص ۶۵.
۱۹. همان، ج ۴۱، ص ۲۹۹.
۲۰. از علمای شیعه ابتدای سده نهم قمری است. بررسی به غلو متهم شده است؛ اما برخی، آشنایی عمیق وی با عرفان اسلامی را سبب به وجود آمدن چنین اتهامی دانسته‌اند.
۲۱. مجلسی، بحار الأنوار، پیشین، ج ۴۲، ص ۳۰۱.
۲۲. همان، ج ۱۵، ص ۳۳۹.
۲۳. همان، ج ۴۶، ص ۱۰.
۲۴. همان.
۲۵. همان، ج ۱۹، ص ۲۷۲.
۲۶. همان، ج ۵۲، ص ۸۸.
۲۷. همان، ص ۸۹.
۲۸. همان، ج ۱۹، ص ۳۱۷.
۲۹. همان، ج ۲۱، ص ۱۳.
۳۰. همان، ص ۳۹۹.
۳۱. همان، ج ۲۲، ص ۲۹۶.

۳۲. همان، ص ۵۳۵.
۳۳. همان، ج ۴۲، ص ۱۲۷.
۳۴. همان، ج ۴۳، ص ۱۰۵.
۳۵. همان، ص ۱۴۴.
۳۶. ابن هشام، *السيرة النبوية*، تحقیق مصطفی سقا و ابراهیم الأبیاری و عبدالحفیظ شلیبی، بیروت: دارالمعرفة، بی تا، ج ۱، ص ۱۵۸.
۳۷. مجلسی، *بحار الأنوار*، پیشین، ج ۴۳، ص ۲۱۵.
۳۸. همان، ج ۴۴، ص ۲۰۲.
۳۹. ویژگی تقویم‌های قمری، یکسان نبودن ماه‌ها در فصول مختلف سال است. عرب‌ها مناسک حج را در ماه ذی‌الحجه به‌جا می‌آوردند و چون می‌خواستند ایام حج در یک موقعیت معین فصلی باشد، با به تأخیر انداختن سال نو قمری از محرم به صفر، ماه‌های قمری را جابه‌جا می‌کردند. به این عمل آنان، «نسی» اطلاق می‌شد که قرآن آن را نکوهش کرد.
۴۰. مجلسی، *بحار الأنوار*، پیشین، ج ۳۵، ص ۳۹.
۴۱. همان، ج ۵۰، ص ۱۲.
۴۲. همان، ص ۱۳.
۴۳. همان، ج ۵۱، ص ۴. این توجیه مجلسی، صحیح نیست؛ زیرا میزان فاصله زمانی ولادت امام دوازدهم (عج)، بر مبنای سال شمسی و قمری، ۷ سال است. ۱۵ شعبان ۲۵۵ هـ.ق. برابر با ۱۱ مرداد ۲۴۸ هـ.ش. است.
۴۴. همان، ص ۲۱۹.
۴۵. ابن شهر آشوب، *محمد بن علی، المناقب*، قم: علامه، ۱۳۷۹، ج ۲، ص ۲۷۶.
۴۶. مجلسی، *بحار الأنوار*، پیشین، ج ۴۱، ص ۳۲۲.
۴۷. همان، ص ۳۲۳ و ۳۲۴.

۴۸. خزاز رازی، علی بن محمد، *کفاية الأثر في النص على الائمة الإثني عشر*، قم: بیدار، ۱۴۰۱ق، ص ۲۱۵.
۴۹. مجلسی، بحار الأنوار، پیشین، ج ۴۱، ص ۳۳۰.
۵۰. کلینی، محمد بن یعقوب، *الکافی*، تصحیح علی اکبر غفاری و محمد آخوندی، تهران: دارالکتب الاسلامیة، چاپ چهارم، ۱۴۰۷ق، ج ۸، ص ۲۱۱.
۵۱. مجلسی، بحار الأنوار، پیشین، ج ۴۶، ص ۳۴۳.
۵۲. نعمانی، محمد بن ابراهیم، *الغیبة*، تصحیح علی اکبر غفاری، تهران: نشر صدوق، چاپ اول، ۱۳۹۷ق، ص ۲۲۸. در برخی نسخه‌ها، به جای ابن سته، ابن سبیه به معنای فرزند کنیز، ضبط شده است.
۵۳. مجلسی، بحار الأنوار، پیشین، ج ۵۱، ص ۴۱.
۵۴. نعمانی، *الغیبة*، پیشین، ص ۲۳۰.
۵۵. مجلسی، بحار الأنوار، پیشین، ج ۵۱، ص ۴۲.
۵۶. طوسی، محمد بن حسن، *الغیبة*، تصحیح عبداللّه تهرانی و علی احمد ناصح، قم: دارالمعارف الإسلامیة، الطبعة الأولى، ۱۴۱۱ق، ص ۲۸۴.
۵۷. مجلسی، بحار الأنوار، پیشین، ج ۵۱، ص ۳۱۲.
۵۸. همان، ج ۵۲، ص ۱۸۳.
۵۹. احتمالاً شکلی دیگر از نام شهر کوفه است.
۶۰. ملتان، شهری در نزدیکی غزنه از نواحی هندوستان است. (حموی، *یاقوت، معجم البلدان*، بیروت: دار صادر، ۱۳۹۷ق، الجزء الخامس، ص ۱۸۹).
۶۱. نام روستایی در منطقه سیستان است. (حموی، *معجم البلدان*، پیشین، ج ۱، ص ۴۹).
۶۲. نعمانی، *الغیبة*، پیشین، ص ۲۷۵.
۶۳. مجلسی، بحار الأنوار، پیشین، ج ۵۲، ص ۲۳۷.

۶۴. همان، ص ۲۴۳.
۶۵. همان، ج ۴۲، ص ۳۳۷.
۶۶. همان، ص ۳۳۸.
۶۷. ابن شهر آشوب، المناقب، پیشین، ج ۲، ص ۱۹۷.
۶۸. مجلسی، بحار الأنوار، پیشین، ج ۴۷، ص ۲۹.
۶۹. همان، ص ۲۲۸.
۷۰. همان، ج ۵۰، ص ۹۴.
۷۱. همان، ص ۱۲۳.
۷۲. همان، ج ۴۸، ص ۱۳۵.
۷۳. همان، ج ۲۲، ص ۴۳۸.
۷۴. همان، ج ۳۳، ص ۱۰۷.
۷۵. همان، ج ۱، ص ۲۴.
۷۶. همان، ص ۳۱.
۷۷. تألیف ورام‌بن‌ابی‌فراس حلی (د. ۶۰۵ق.). از علمای امامی. موضوع این اثر، مواعظ و حکمت‌های اخلاقی است.
۷۸. مجلسی، بحار الأنوار، پیشین، ج ۱، ص ۲۹.
۷۹. این کتاب، نزدیک به ۱۵۵ حدیث نبوی در ارتباط با پزشکی را گردآوری کرده؛ اما درباره مذهب نویسنده کتاب و صدور روایات از پیامبر ﷺ، اختلاف نظر فراوانی وجود دارد.
۸۰. مجلسی، بحار الأنوار، پیشین، ج ۱، ص ۴۲.
۸۱. همان، ج ۱۶، ص ۱۴۱.
۸۲. این خبر، در *انساب الأشراف* بلاذری موجود است و او این خبر را از مدائنی نقل کرده است. (بلاذری، احمد بن یحیی، *انساب الأشراف*، تحقیق سهیل زکار و ریاض رزکلی، بیروت: دارالفکر،

- الطبعة الأولى، ۱۴۱۷ق، ج ۱، ص ۵۸۶)
۸۳. مجلسی، بحار الأنوار، پیشین، ج ۵۲، ص ۲۲۷.
۸۴. همان، ج ۱، ص ۲۵.
۸۵. همان، ج ۲۹، ص ۲۱۵.
۸۶. همان، ص ۲۳۵.
۸۷. همان، ص ۲۴۶.
۸۸. همان، ج ۲۲، ص ۳۸۰.
۸۹. طارمی راد، حسن، علامه مجلسی، تهران: طرح نو، ۱۳۷۵ش، ص ۱۴۶.
۹۰. مجلسی، بحار الأنوار، پیشین، ج ۱۸، ص ۴۱.
۹۱. همان، ج ۱۶، ص ۱۹۲.
۹۲. همان، ج ۳۵، ص ۲۶.
۹۳. همان، ج ۳۲، ص ۲۳.
۹۴. لوطین یحیی، معروف به ابومخنف ازدی، از تاریخ نگاران شیعه اهل کوفه است. معروف ترین تک نگاری وی، با نام مقتل الحسين علیه السلام درباره واقعه عاشوراست که در آن، روایات شیعی و غیر شیعی، گردآوری شده است. طبری، بخش بسیاری از کتاب مقتل الحسين علیه السلام را در تاریخ عمومی خویش ضبط کرده است.
۹۵. مجلسی، بحار الأنوار، پیشین، ج ۳۲، ص ۸۵.
۹۶. همان، ج ۱۶، ص ۷.
۹۷. همان، ج ۳۸، ص ۳۲۵.
۹۸. همان، ج ۳۵، ص ۲۴.
۹۹. همان، ج ۳۰، ص ۴۱۳.
۱۰۰. زین الدین عاملی، البداية فی علم الدراية، پیشین، ص ۲۳.

۱۰۱. مجلسی، بحار الأنوار، پیشین، ج ۲۸، ص ۱۳۰ و ۱۴۲.
۱۰۲. همان، ص ۱۵۳.
۱۰۳. همان، ص ۱۵۴.
۱۰۴. همان، ص ۱۵۵.
۱۰۵. همان، ص ۱۵۶.
۱۰۶. همان، ص ۱۶۴ - ۱۶۵.
۱۰۷. همان، ص ۱۶۶.
۱۰۸. همان، ص ۱۶۷.
۱۰۹. همان، ص ۳۲۱.
۱۱۰. همان، ج ۱۶، ص ۱۶۱.
۱۱۱. همان، ص ۱۶۷ - ۱۷۱.
۱۱۲. همان، ص ۱۷۱.
۱۱۳. جعفریان معتقد است، برخی داستان‌های ساختگی درباره پیامبر ﷺ، از سوی داستان‌سرایان به واقعی نسبت داده شده است. شاید روایات فضل‌بن‌شاذان که توسط مجلسی نقل شده، در شمار همین‌گونه داستان‌ها باشد. (ر.ک: جعفریان، رسول، «ابوالحسن بکری و قصه‌ای کردن سیره نبوی»، مندرج در کتاب منابع تاریخ اسلام، تهران: نشر علم، ۱۳۹۳ش، ص ۴۵۶)
۱۱۴. مجلسی، بحار الأنوار، پیشین، ج ۱۵، ص ۳۵۷.
۱۱۵. همان، ص ۴۱۴.
۱۱۶. همان، ج ۳۹، ص ۳۴.
۱۱۷. همان، ج ۴۲، ص ۱۰۹. برای مشاهده نظرات مجلسی درباره شیخ مفید، آثار و آرای وی، ر.ک: طارمی راد، حسن، «صدوق و مفید در بحار الأنوار مجلسی»، مجموعه مقالات کنگره شیخ مفید، ش ۳، ص ۲۱ - ۵۲.

۱۱۸. مجلسی، بحار الأنوار، پیشین، ج ۱۵، ص ۲۴۸.
۱۱۹. به روزهای یازدهم تا سیزدهم ذی‌الحجه در ایام حج واجب اطلاق می‌گردد. در این روزها، مناسک مهمی مانند قربانی‌کردن و رمی جمرات انجام می‌شود.
۱۲۰. مجلسی، بحار الأنوار، پیشین، ج ۱۵، ص ۲۵۲ - ۲۵۴.
۱۲۱. همان، ج ۵۱، ص ۳۶۶.
۱۲۲. ابوالحسن علی‌بن یقطين بغدادی (۱۲۴ - ۱۸۲ق.). از اصحاب امام صادق علیه السلام و امام کاظم علیه السلام و کوفی‌الأصل بود. با اجازه و هدایت امام کاظم علیه السلام، به دستگاه اداری دولت عباسی وارد شد و در دوران هادی و مهدی و هارون عباسی، به سمت‌هایی دست یافت.
۱۲۳. مجلسی، بحار الأنوار، پیشین، ج ۵۲، ص ۱۰۳.
۱۲۴. همان، ص ۱۰۵.
۱۲۵. همان، ج ۱۶، ص ۲۱۹.
۱۲۶. همان، ص ۷۷.
۱۲۷. همان، ج ۱، ص ۴۱. برای مشاهده ویژگی‌های کتاب الأنوار بکری و سبک ویژه وی در نگارش تاریخ پیامبر صلی الله علیه و آله، رک: جعفریان، رسول، ابوالحسن بکری و قصه‌ای کردن سیره نبوی، پیشین، ص ۴۵۱ - ۴۵۶.
۱۲۸. مجلسی، بحار الأنوار، پیشین، ج ۱۶، ص ۲۶۷.
۱۲۹. فعل «أخفی»، در باب افعال و در شمار فعل‌های اضداد است؛ یعنی دو معنای متفاوت و ضدّ هم دارد. معنای اول این فعل، پنهان‌کردن است و معنای دوم آن، آشکارکردن و برطرف‌نمودن پوشیدگی است. (اتابکی، پرویز، فرهنگ جامع کاربردی فرزنان، تهران: نشر فرزنان، چاپ اول، ۱۳۹۱ش، ج ۱، ص ۱۹۳)
۱۳۰. مجلسی، بحار الأنوار، پیشین، ج ۱۵، ص ۱۹۲.
۱۳۱. همان، ج ۲۲، ص ۳۹۰.